

رئیس جمهور نخست وزیر و بحران کنونی

انتظار آنکه در یک بلوک سیاسی
آنهم بلوکی با مشخصات کشورمان
اوضاع حاکمیت با آرامش نسبی
همراه باشد و اینک هراز چندگاهی
یک بحران شدید حکومت را در برنگیرد
انتظار رهاییدهنده ای است. تا این
بلوک وجود دارد، و تا زمانی که
توان آن اثر بلوک گفت چنین انتظا
ری را نیز بیا بد داشت.

در میان نمودهای متعدد چنین
واقعیتی، اکنون یکماه است که
مسئله انتخاب نخست وزیر و سپس
کابینه... درگیری های درون حکو
مت را در جلوجشم مردم عیان کرده و
به نما یثی علنی گذاشته است. ابتدا
بنی صدر، بشیوه خود سعی نمود، بدون
اینکه مانعی جدی در برابرش باشد،
نخست وزیر و کابینه را انتخاب نما
بد و به تصویب آیت الله خمینی و
شورای انقلاب برساند. این برنام
بنی صدر که در واقع از قبیل مجلس را
با کابینه خود مواجه میساخت نتوا
نیمت در عمل پیاپی ده شود. و قرار شد همه
چیز به مجلس شورای اسلامی اموکول
گردد. مجلس با ترکیب اکثریت خود در
که عمدتاً توسط خردده بورژوازی حاکم
زا دارد. به محض استقرار خود بحران
انیشتر نمود. مجلس، به مثابه
قوه مقننه، در برابر بنی صدر رئیس
جمهور، به مثابه قوه مجریه یا دقیق
تر کسیکه مقدرات قوه مجریه یعنی
"زور بی حرف" را میخواهد بدست
بگیرد، قرار گرفت. هنگامیکه تلاش
بقیه در صفحه ۲



کارگران جهان متحد شوید!

روزمندگان

ارگان سازمان روزمندگان آزادی طبقه کارگر

(کمونست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند)
کمونست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند
کمونست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر
زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند.
(ولادیمیر ایلیچ لنین)

سال اول شماره ۲۸ دوشنبه ۲۷ شهریور ۵۹ - با ضمیمه ۳۰ ریال

سری تحقیقات روستایی

کشت و صنعت آستان قدس

■ مرزعه نمونه

پیام روستا

به نقل از: (خراسان)

گزارش زبردنشریه "پیام روستا" (خراسان) شماره ۳ درج شده است که از نظرا اهمیت مطلب و در وقت در تهیه آن بسیار با ارزق و جان کوشش است. گزارش مربوط به یکسری از املاک بزرگ آستان قدس است که بصورت کشت و صنعت اداره میشود. همچنان که گزارش نشان میدهد سرمایه داری به با رزترین وجهی توسط مستولیان موقوفات بازاری میگردد. استثمار رنجوری کسب کارگران، غصب سهم عمده ارزش اضافی از طریق شراکت با بیماکاران و نیز استثمار دهقانان خرد به همگی در این ملک "مقدس" به اجرا در میآید

بقیه در صفحه ۷

لهستان:

کارگران بر علیه رویز پوئیسیم

"پیروزی پیروزی!" هلهه جمعیت انبوه کارگران اعتصابی در شهر بندری گدانسک بود که بعد از اینکه رهبران در مذاکره با معاون نخست وزیر و رئیس کمیسیون مذاکره با اعضا بیون به توافق نسبی رسیدند و میان کارگران اعتصابی بازگشتند سرا بر بندر را فرا گرفت. دولت توافق نمود که شورا های مرکزی سندیکاها در تمام کارخانه ها و کارگاهها بی که کارگران خواسته با شند با رای مخفی در یک انتخابات آزاد مجدداً انتخاب شود هزینه زندگی و بهای گوشت با درآمد کارگران متعادل گردد و حقوق کارگران معادل ۱۵ تا ۲۰٪ افزایش یا بدور هیران اعتصابیون از تعقیب پلیس امنیت محفوظ بقیه در صفحه ۱۰

بورژوازی

یک سال و نیم پس از پیام

مجموعه بورژوازی ایران در دوران بنی صدر نمیتواند قدرت خود را با زیاد فشار هر گاهی خردده بورژوازی حاکم بر بورژوا لیبرالها ورشند مبارزه طبقاتی، درگیری کارگران و زحمتکشان با سرمایه داران و زمینداران، و رشد بحران اقتصادی و سیاسی موجب میگردد بورژوازی حاکم نتواند در این دوره قدرت خود را بنحوصم گیری افزایش دهد؛ مگر در بنی صدر و در جناح خارج از حکومت یعنی ضد انقلاب مغلوب، ارتش در طی دو حادثه مهم زیر سوال مردم زنده است. از لحاظ بعضی از فرماتدهان تضعیف شده است، و جای آن با ساداران خود را تقویت میکنند. مجلس بنود آنها نمیشود.

بقیه در صفحه ۶

پیک رزمندگان

دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ - یکشنبه ۱۵ ریل شماره ۲۸

مردمان رنده انقلابی روزها بسی
ر وجود رندها، بوش نشانی و سرتوتها
که نطق عظمی در جریان فیرما نسیم
با ننا زبانی خلق با شمار میرود. ۲۰۲۹
شورای ۵۷ جنوری است روزی که
غون هزاران شهید گستاخها با
نهایی شهران را کفون کرد و با میکسر
در راه رنج نشان داد که طبقه دروا، ساز
زخمه و زخم جوشن با نشان نیزه زخم
نند.

تا قبل از ما ۱۷ شهریور آزادی
اوج گیری انقلاب درنا نشان در ۵۰ سال
رو زنده ام و روزی بر خورده ارتش و هر
کنده با ناطه در شرفای مسئول
نظا هر نامحورت میگردد و هم یک شهید
نظا با ننا میره نشاندن و در نشان را می
نظا کلازات کرده و بعد از زوری رنج نسیم
پلیس و ارتش در نظای تا و در نظای
آن ماماتها نشان نیزه زخم

بقیه در صفحه ۲



کارگران در حمایت از هموزمان اخراجی خود

در صفحه ۶

فرمانت با ناطه در شرفای مسئول
نظا هر نامحورت میگردد و هم یک شهید
نظا با ننا میره نشاندن و در نشان را می
نظا کلازات کرده و بعد از زوری رنج نسیم
پلیس و ارتش در نظای تا و در نظای
آن ماماتها نشان نیزه زخم

بقیه در صفحه ۲

پاسخ به نامه ها

در صفحه ۶

کارگران جهان متحد شوید!

سرمقاله

شهای بنی صدر برای استقرار "حاکمیت دولت" و "وسعت گرفت" خرده بورژوازی حاکم در شرایطی غیرعادی و عجولانه مجلس را رسمیت داد. و شورای انقلاب را در قوای سه گانه حل نمود تا از سنگرهای جدید خود، بر علیه بورژوازی که در بنی صدر مبارزه خود را ادامه میداد، قدرت خود را بسط دهد.

من هم ... "موقعی که مسئله عینیت میباید با زهم جناح خرده بورژوازی حاکم یک قدم دیگر جلومی آید تا چاراست مقاومت کند: تا دوسه ماه دیگر شاید هیچکس وجود نداشته باشد!

پراکندگی اوضاع بوروکراسی، بی نظمی همه جانبه در اقتصاد کشور از هم گسیختگی آشکار منابع مالی، و مثلاً خارج بودن بنیاد مستضعفین این مرکز بزرگ اقتصادی با بیش از

اتحاد هیات حاکمه در سرکوب انقلاب و پمخاک و خون کشیدن جنبش انقلابی نمیتواند مانع از بروز چنین تضادهائی گردد. زیرا چنین تضادهائی نه به تنهایی ناشی از شرایط بحرانی جامعه بلکه همچنین ناشی از حاکمیت بلوکی، یعنی حاکمینی است که ترکیب طبقاتی اش در اساس بر مبنای سازش و در نتیجه تضادهای معینی شکل گرفته است و ناگزیر حامل چنین تضادهای و اختلافاتی در درون خود می باشد.

از نوروز ۵۹ بدین سو بویژه ما شاهد جدال جناح های حکومت به طسرق مختلف جهت بسط قدرت خویش بوده ایم. مبارزه ای که با موفقیت و عدم موفقیت یک طرف تا مرحله بعدی پایان گرفته است. تعیین نخست وزیر، بصورتی که دیدیم، در واقع آنطور که بعد خود بنی صدر نیز اقرار میکند، تحمیل مجلس به رئیس جمهور است. رئیس جمهور میگوید که با نخست وزیر، رجایی، موافق نیست و حتی با وزارت او نیز موافق نبود. اما در این شرایط ترجیح میدهد که سکوت کند و بگذارد اوضاع، حقیقتاً او را اثبات نماید. اما رئیس جمهور بخوبی میداند که اوضاع ممکن است حقیقتاً توده ها را به جای حقیقتاً او اثبات کند و از این لحاظ است که مینویسد "تا بد تا دو سه ماه دیگر هیچ کدام از ما وجود نداشته باشیم." پس در برابر چنین خطری نمیتوان مدتی ساکت نشست. رئیس جمهور که سیاستمداران رجایی را به نخست وزیری میپذیرد و آنگونه او را به مجلس معرفی میکند: "از آنجا که مجلس رای اعتماد دهنده او داده و امام او را تأیید کرده پس

دهها شرکت و واحد صنعتی بزرگ از دست بورژوازی، و هزاران نمونه دیگر از عدم تمرکز، خودمختاری محلی، که اصولاً وجود یک حکومت به معنای واقعی کلمه را زیر سؤال قرار میدهد بنی صدر را به آن سمت سوق میدهد که ارکان های قدرت را در دست خود بگیرد: ارتش، وزارت کشور، اینست آنچه که در پیشنهاد بنی صدر به رجایی با دیدید. بورژوازی پیوسته تلاش میکند ما شین دولتی را در دست بگیرد و سازماندهی کند. و خرده بورژوازی دقیقاً همین ما شین را از کار کرد منظم و سیستماتیک باز داشته است، و به پراکندگی هلاکت باری دچار ساخته است.

طرح کابینه مجلس (یا همان رجایی) پیشنهاد خرده بورژوازیسی تمام عیاری است. تمام وزارتخانه ها بدست عناصر حزب جمهوری اسلامی و مومنین می افتد. کنترل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه بدست چنین افراد، سوبه دیگر سیاست بورژوازی را ضعیف میکند: "امینت و اقتصاد" اگر ارتش و وزارت کشور امنیت را به رئیس جمهور سپرد و بورژوازی

ژوازی میتواند از این با است اظهار رشادی کند، اما اقتصاد در وسیع ویرانی و بحران فلاکت آور کنونی را به زیان بورژوازی در واقع بقیه کابینه حفظ میکند. و در این مورد نمیتوان فقط به سیاست "بگذار زمان حقیقت را ثابت کند" متکی شد. خرده بورژوازی حاکم نه تنها از این لحاظ بلکه بواسطه داشتن دهها ارگان غیر رسمی، نیمه رسمی و رسمی دیگر که قوه نظامی محسوب میشوند، هنوز نیرویی مانع برنامه های بورژوازی است. و بدین ترتیب ناگهان بنی صدر بیاد می آورد که: خالا باید بگویم که نسبت به بقیه وزرا هم نظردارم. مبادا که همه طرحهای آیت ها، و با طرحهای "مجاهدین انقلاب اسلامی" در مورد مقابله با اوضاع بحرانی که صراحتاً خواستار حکومت مشترک "پاسداران، کمیته ها، جهاد" شده است، ناگهان تحقق یابد! درست همان وقت که گمان میرفت اوضاع آرام شده، از زیر ظاهر رسمی انواع توافقیهای "برادرانه" و "اسلامی" از وراء همه، "امثله و حکم" برای نشان دادن حقا نیست خود، و از پشت دیوارهای سکوت دروغین ناگهان تعفن نفرت انگیز منازعات درونی ضد انقلاب حاکم به بدترین شکلی خود را نمایان میکند، تا دوباره در زیر پیمانهای اخوت و "آرمانهای جهانی" که متعلق به قرون مرده و از یاد رفته اند، فروروند و از نو اینبار آلوده به هزاران "پستی" و "دناشت" نمایان گردند.

مضمون اصلی درگیریها

تاریخ این درگیریها، مضمون این درگیریهای تاریخی را بخوبی نشان میدهد. در بلوک حاکم چه کسی باید مسلط شود؟ کدام سیاست باید به پیش رود؟ رجایی برنامه اقتصادی - سیاسی خود را ارائه میدهد تا در برابر طرح داشمی بنی صدر: "امنیت و اقتصاد، طرح خویش را برای همین کار، یعنی پیشبرد امنیت و

سرمقاله

از خاکستر رفته است. درگیری های درون بلوک سیاسی حاکم آشکارا رو پنهان، آرام و شدید ادامه خواهد یافت تا تکلیف این بلوک روشن گردد.

اتحادیهات حاکمه در سرکوب انقلاب و به خاک و خون کشیدن جنبش انقلابی نمیتواند مانع از بروز چنین تضادهایی گردد. زیرا چنین تضادهایی نه به تنهایی ناشی از شرایط بحرانی جامعه بلکه همچنین ناشی از حاکمیت بلوکسی، یعنی حاکمیتی است که ترکیب طبقه تاش در اساس بر مبنای سازش و در نتیجه تضادهای معینی شکل گرفته است و ناگزیر حامل چنین تضادها و اختلافاتی در درون خود میباشد.

جنبش انقلابی تا آن زمان که کل حکومت را زیر سؤال نبرده است و تا آن زمان که میلیونها توده انقلابی بی در صحنه کارزار مبارزه طبقاتی به رودر رویی با حکومت کشیده نشده اند، حتی میتواند منشاء اختلافات در درون حکومت نیز گردد. به این

بقیه در صفحه ۵

انداخت. بورژوازی حاکم پستی را تحمل ضربه ای این چنین را از خرده بورژوازی ندارد که با رگنا هان آنرا نیز بدوش بکشد. و خرده بورژوازی حاکم ضمن آنکه خود را می خواهد مسلط کند، رئیس جمهور را نیز شریک گنا هان خویش مینماید.

اقتضا دیکتاتور "فرزند مجلس" در نهایت "مظلومیت" این حزب خرده بورژوازی کهنه "حق با مظلومست" یعنی صدر را "پیمان شکن" مینامد و "مجلس" نامه "بنی صدر" را که در آن پیمان شکنی رئیس جمهور نسبت به قولهای که داده و جیز

اینکه خرده بورژوازی حاکم نمیتواند بسادگی بنی صدر را بکار بزند، علاوه بر وضعیت وی در حاکمیت معلول اتکاء او به آراء خود، یعنی باز کردن جادریان مردم می باشد. آنها نمی توانند بنی صدر را بکار ببرند چون از تاکتیک خود آنان استفاده کرده است. خرده بورژوازی حاکم با بهره برداری از احساسات و تمایلات توده بورژوازیها رابه عقب رانده، اما آیا با این امید سرمایه داری، این امید تاریخی بورژوازی نیز همان گونه رفتار کند، در حالیکه خود او بر شانه رای دهندگان سوار میشود و از مردم یاری می خواهد و مزرانه آنان را پشتیبان خویش می نامد؟

اینکه خرده بورژوازی حاکم نمیتواند بسادگی بنی صدر را بکار بزند، علاوه بر وضعیت وی در حاکمیت معلول اتکاء او به آراء خود، یعنی باز کردن جادریان مردم میباشد. آنها نمیتوانند بنی صدر را بکار ببرند چون از تاکتیک خود آنان استفاده کرده است. خرده بورژوازی حاکم با بهره برداری از احساسات و تمایلات توده بورژوازیها رابه عقب رانده، اما آیا میتواند بسادگی این امید سرمایه داری این امید تاریخی بورژوازی نیز همان گونه رفتار کند، در حالیکه خود او بر شانه رای دهندگان سوار میشود و از مردم یاری می خواهد و مزرانه آنان را پشتیبان خویش مینماید؟

چنین ترکیبی از قوا، و جنبش وضعیتی از بحران، بخوبی نشان میدهد که حتی اگر سازش موقت از جانب بورژوازی حاکم و بنی صدر صورت بپذیرد، و بنی صدر تا کتیک "من سکوت خواهم کرد" را در پیش بگیرد، آتش تنها بزیلایه نازکی

هایی که خواسته عریان گردیده، قرائت میکند تا انجا که "همه را نسبت به این مرد" بد طینت "برهنه میزند". خرده بورژوازی حاکم حاضر نیست از مواضع خود عقب بنشیند و بورژوازی نیز نمیتواند مقدرات خود را به آسانی بدست کسانی بسپرد که جامعه را هر چه بیشتر بسوی بحران میرانند. بنی صدر از سویی میداننده که اگر قدرت فائقه و همه جانبه برای مدتی بدست خرده بورژوازی حاکم بیفتد، وضعی بحرانی که در جامعه وجود دارد، توده ها را بر علیه خود بر خواهد انگیزد و ناتوانی خرده بورژوازی در غلبه بر بحران کنونی و فرو نشاندن مبارزات توده ها آشکارتر خواهد شد. اما اینترام میداننده که تا آنوقت نمیتوان فقط منتظر فرصت نشست، و ساعت شماری نمود. بنی صدر از امام میخواهد تا دستوری جهت کا بینه بدهد. و یا مجلس صراحتاً مسئولیت کا بینه را خود بعهده بگیرد تا وضعیت او، بی مدینه باقی بماند؛ همه گنا هان را بگردن آنها بیاورد

رفقا و هواداران!
روزندگان
را بخوانید و
در تکثیر و پخش
آن بکوشید!

بورژوازی

یک سال و نیم پس از قیام

۴

است و مسئله گزینگانها تاکنون بنحو مطلوب بورژوازی حاکم حل نشده است. اما آنها، و در پیشاپیش منافع سرما به داران بنی صدر همچنان به مبارزه جهت تسلط در قدرت سیاسی ادامه میدهند. بنی صدر همچنان تلاش خواهد نمود تا ارتش، وزارت کشور و بوروکراسی را نیز بر سلطه درآورد و به خدمت کامل بورژوازی بگمارد.

بورژوازی حاکم که به خطر "توده ها"، خطر "سپه" بنیادین کارگران و زحمتکشان واقف شده و در کارگزاران سر میبرد نتوانسته آن اوضاع

کمیت سیاسی وضعیت خود را در سازمان میدهد و از فروپاشی توهمات تودهها نسبت به خرده بورژوازی حاکم بسود خود بهره میبرد. امروز نیز بورژوازی چشم خود را به بنی صدر دوخته است. امروز نیز آنها منتظر نشوشت بنی صدر بطور قطعی در حاکمیت و به عنوان ریاست جمهوری روشن شوند تا بدانند سیر بعدی چه خواهد بود. اما علی رغم همه این حقیقت آنها، امپریالیسم و ضد انقلاب مغلوب قوای خود در خارج از حاکمیت را برای آنچنان شرایطی، ویا برای انواع توطئه ها و دسائیس

امروز نیز بورژوازی چشم خود را به بنی صدر دوخته است. امروز نیز آنها منتظرند سر نشوشت بنی صدر بطور قطعی در حاکمیت و به عنوان ریاست جمهوری روشن شود تا بدانند سیر بعدی چه خواهد بود. اما علی رغم همه این حقیقت آنها، امپریالیسم و ضد انقلاب مغلوب قوای خود در خارج از حاکمیت را برای آنچنان شرایطی، ویا برای انواع توطئه ها و دسائیس برای هر چه قویتر کردن بورژوازی و تسلط بر قدرت سیاسی و... بسیج می کنند.

برای هر چه قوی تر کردن بورژوازی ویا تسلط بر قدرت سیاسی و... بسیج میکنند. ندیدن این واقعیات انگارنا پذیر برای کسی که میخواهد در مبارزه طبقاتی از موضع پرولتری شرکت نماید و برای کسی که میخواهد این موازنه نیروها را تغییر دهد جدأ خطر بسیار دارد. بسیار ای بنی صدر از جزیی از کاست (حاشیه) کاست (ارزیابی میکنند و عا مدأ به ما هیت طبقاتی- تاریخی او

مطلوبی را که لازمست تا با زاری همه جا به نظم موجود صورت گیرد و سرما به عالی ترین حرکت خود را، سود خود را داشته باشد، فراهم آورد. اگر در دوران اشغال سفارت فقط نهضت آزادی انشاء گردید، این بار با غلب احزاب بورژوازی از حزب ملسست ایران تا جبهه ملی ایران مورد حمله واقف میشوند. نماینده بورژوازی در انتخابات رئیس جمهوری- مدنی با عضویت در مجلس محروم گردید و مرد تنقید و پی گیری واقع شد. او به همراه قشقای و چند تن دیگر از عناصر فعال جبهه ملی مستقیماً به ضد انقلاب مغلوب پیوستند، او صلا بیش از این بسیاری عناصر خود جبهه ملی نیز از گونه که معلوم شده است در جریان توطئه های ضد انقلاب مغلوب قرار داشته اند. ضد انقلاب مغلوب با دقتتر جناح بورژوازی انحصاری و مزدوران امپریالیسم در خارج از حکومت اینک امید خود را بصورت سابق به حکومت و جناح بورژوازی آن ندارند. ضد انقلاب مغلوب و امپریالیسم امید بسیاری به ما نوره ها و عمل کرده های بنی صدر داشته اما هر چه طولانده ایم اثر بلا فایده اقدامات بنی صدر و کلا بورژوازی حاکم معلوم نبود، و وضعیت آن هر روز سیاه تر شده است.

سرپوش میگذارند. با راهی هیات حاکمه را کلاً بورژوازی ارزیابی میکنند و نمیتوانند به ما توضیح دهند، در شرایط مایعنی شرایطی کسه بورژوازی ملنی دیگر وجود ندارد، چگونه امپریالیسم و بورژوازی انحصاری وابسته (ضد انقلاب مغلوب) با این حاکمیت ویا دقتتر با جناح خرده بورژوازی آن، در افتاده اند و لا اقل همه بحران یک سال و نیم اخیر، همه درگیریها، همه راننده شدنهای عناصر بورژوازی حاکم به ضد انقلاب مغلوب چه معنی دارد؟

پاره ای میگویند: این جناح بورژوازی تجاری ویا... است، پاره ای میگویند: جناح بورژوازی متوسط غیر وابسته یا غیر مستقیم

وابسته است، که باعث بحران منگردد. اما این حرف به مثابه آنست که ما نام بورژوازی ملسی یا چیزی شبیه آن را تغییر داده باشیم و به نام جدیدی دوباره ترا در عوامل بررسی خود وارد کنیم. در هر حال عدم درک صحیح این مطلب در مبارزه طبقاتی و هدا بیت آن تا شیرنا مطلوب خواهد داشت و اولین تاثیر آن این خواهد بود که ما هیت طبقاتی هیئت حاکمه و در نتیجه دشمنان انقلاب بدرستی شناخته نشوند.

نتیجه آنچه که گفتیم چیزی نیست مگر آنکه بطور کلی در طی یکسال و نیم پس از قیام، چه در دولت موقت که امروز خواستار حاکم گشته اند، چه در دوران دولت شورای انقلاب و چه پس از بقدرت رسیدن بنی صدر، طبقه بورژوازی ایران در حاکمیت صدمات چندی را بخورد دیده است و موضع آن در امپریالیسم و ضد انقلاب مغلوب تقویت شده، اما در حاکمیت با فراز و نشیب در مجموع ضرباتی خورده است و نتوانسته است اوضاع مساعد خود را ایجاد کند. کسانی که با بی توجهی کامل به این وضعیت فریاد میزنند بورژوازی لیبرالها قدرت واقعی را در دنیا اختلافات درون حکومت را نه بورژوازی بلکه بین دو جناح از بورژوازی ارزیابی میکنند، کسانی که معتقدند بورژوازی انحصاری در حاکمیت حضور مستقیم و مستقل دارد و خود را در پشت عبا ی کاست ویا زبردان بورژوازی لیبرالها پنهان کرده است، نمیتوانند بدون توجه به سیر واقعیات، بر این حقیقت پزده بیفکنند که از قیام بدینسو و بویژه پس از عدم موفقیت کامل بنی صدر، بورژوازی در حاکمیت تضعیف شده و موقعیت خود را حتی نسبت به آنچه در دولت موقت داشت، از دست داده است.

البته چنین شرایطی نمیتواند مداوم وجود داشته باشد. و حاکمیت کنونی نمیتواند مدت

پاره ای میگویند: این جناح بورژوازی تجاری ویا... است. پاره ای میگویند: جناح بورژوازی متوسط غیر وابسته یا غیر مستقیم است، که باعث بحران منگردد. اما این حرف به مثابه آنست که ما نام بورژوازی ملسی یا چیزی شبیه آن را تغییر داده باشیم و به نام جدیدی دوباره آنرا در عوامل بررسی خود وارد کنیم.

زیادی در این وضعیت باقی بماند. اما موضوع مهم اینست که در با هم بورژوازی چه وضعی دارد و چرا امپریالیسم ضمن اتکاء به بورژوازی حاکم نیروهای خود را در خارج از حاکمیت تقویت میکنند و دورانی از توطئه، اغتشاش و دسیسه و غیره را در برابر ما میگذارد.



مبارزه طبقاتی در طی یکسال و نیم گذشته نقش مهمی در تغییرات موازنه نیروها در قبال بورژوازی داشته است. کارگران، توده های وسیع دهقانان و زحمتکشان ایران با مقاومت

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

بقیه از صفحه ۳

سرمقاله

معنی که تضادهای درون آنها را تشدید کند.

اما جنبش انقلابی هدف خود را دارد. هر شرایط پیچیده ای میتواند از طرف انقلابیون به مثابه "نخستین" تیرشی در جنبش انقلابی مورد بهره برداری قرار گیرد. تعداد و میزان اجتماع کنونی و فلابکست بوده، مردم و ابعا دعظیم ناراضی از یکطرف، و توطئه چینی و دسیسه های ضد انقلاب مغلوب از طرف دیگر، اینهاست "بینها و ترس های" رئیس جمهور که در موقعیت خود بخواهد امکان توسعه فعالیت انقلابیون و گسترش پیروزمندان جنبش انقلابی را بر علیه هیات حاکمه میبندد.

امپریالیسم و ضد انقلاب مغلوب چنان خود را به وضعیت بنی صدر دوخته اند. از نظر آنها تشییت و یا تضعیف بنی صدر به عنوان مدافع بورژوازی در موازته نیروها تاثیر

اساسی دارد. آنها منتظرند تا در میان دعوی کنونی فاتح مشخص گردد و آنگاه بطور همه جانبه فعالیت های خود را تشدید کنند. اگر چه وضعیت بورژوازی حاکم امید آنها را کاهش داده و موجب تقویت بیشتر نیروها - نشان در خارج از حاکمیت گردیده، لیکن قطع کامل این امید و آغاز وسیع فعالیت برای اعاده وضعیت مطلوب خود به جا مع می تواند کاهش

مشاجرات شوند، در حالیکه باید درستی از آن بهره برداری کنند، باید توده ها، یعنی نیروی محرک توده ها، تکامل و مبارزه، انقلابی را هر چه بیشتر حول مسایل اصلی انقلاب متمرکز کنند.

کارگران و زحمتکشانی که هر روز بیشتر خانه خراب میشوند و به فقر بیشتر رانده میگردند، باید بدینست به سر نوشت خود آگاهی یابند و باید

ضد انقلاب مغلوب را با بدوسیسی در پیشگاه مردم افشاء نمود و راه را در اوضاعی که هر آن پیچیده تر میگردد و هر آن بیشتر به انکار و تهور انقلابی نیاز مند است، باز نمود، اینست آن نکته ای که غفلت از آن، به معنای ندیدن جریان انقلابی میباشد، که هم اکنون مدتهاست در گشت و گذار است، جریانی که امواج سرکش آن پیوسته بر دیوار فرسوده بلوک حاکم میکوبد و آبرویوض در جلوه های مختلف مبارزات توده ها از قبیل مبارزه مسلحانه خلق کرد، اعتصابات کارگران و تحصن ها و گروگان گیری مقامات حکومتی بوسیله زحمتکشان و دیگری توده ها با پاسداران در دفاع از آزادی و... مشاهده میکنیم.

کمونیستها با دیدن تمام نیبر و به سازماندهی، هدایت و ارتقاء این مبارزات بر علیه مجموعه بلوک حاکم بر علیه سرکوب همه جا تبیه آن پرداخته، و همچنین توده ها را در برابر خطر جدی ضد انقلاب مغلوب و توطئه های بورژوازی و امپریالیسم آگاه و مهیا سازند.

انتظار آنکه در یک بلوک سیاسی، آنهم بلوک با مشخصات کشور ما اوضاع حاکمیت با ارزش نسبی همراه باشد و اینکه هر از چندگاهی یک بحران شدید حکومت زاد برنگردد، انتظار بیهوده ای است. تا این بلوک وجود ندارد، و تا زمانی که بتوان آنرا بلوک گفت چنین انتظاری رانیز باید داشت.

برای بنای دنیایی نو، در هر شرایط تجهیز گردند. مردم باید بدانند که مشاجره میان راجایی ها و بیستی صدرها، مشاجره میان دوستان و دشمنان آنها نیست بلکه میان دشمنان آنها - ست و از این توتلاشهای لیبرال مآبانه بنی صدرها در جمع کردن "مردم" بدور خود یا بدخشتی نمود. نه فقط ضد انقلاب حاکم بلکه

قدرت بنی صدر همراه باشد. در هر حال از نظر کمونیستها و امپریالیسم انقلابی دیگر باید مسئله به حد کافی روشن باشد. مشاجرات درون حکومت نه بر اساس منافع خلق ایران که بر اساس تلاشهای جناحهای ضد انقلاب حاکم در تریلیت بر یکدیگر وارد کرده، بیشتر موراسنت. انقلابیون بدون آنکه غرق در این

بورژوازی یکسال ونیم

توهمات لیبرالی نمیتواند مدت چندانی دوام داشته باشد و هرگاه کمونیستها بطور متمرکز، جدی و فعالانه این توهمات و نقش بورژوازی را در جامعه ما بشکافند، میتواند آن آگاهی لازم و وسیع را برای اوداده. انقلاب بنیامان توده ها بپوشد و آنان را آگاهی ها نه مشکل سازند.



بورژوازی از این پس، در حکومت و خارج از حکومت تلاش خود را میکنند. آنها باید موجودیت خود را با پشتیبانی امپریالیسم حفظ نمایند، و بنی خوبی میداند که مبارزه طبقاتی جاری هر روز بیشتر توده ها را در مقابل آنان قرار میدهد. و این بانگ تاریخ را، این شیخ هول انگیز انقلاب را از هم اکنون احساس میکنند که میگوید: "باشما دیگر کاری نیست!"*

توضیح و پوزش

در شماره قبل، مقاله بورژوازی یکسال و نیم پس از قیام در صفحه ۱۵ ستون سوم سطر ۲۹ خط پایینی وجود دارد که بصورت زیر اصلاح شود:

غلط: "سیاسی دست نیافته اند و یا اکنون در موضع ضد انقلاب..."

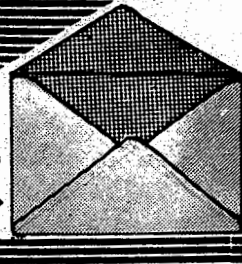
درست: "سیاسی دست نیافته اند و یا اکنون در موضع ضد انقلاب..."

ده بورژوازی حاکم، خواسته های توده ها و روشها ناراضی توده ها نیز در تحریک خرده بورژوازی حاکم بر علیه بورژوازی تا شیره داشته است. لیکن، همین خرده بورژوازی به عنوان یک سرکوبگر خلق، اعمالش بسود بورژوازی نیز در آمده و روز بروز وز توده های وسیعتری را در برابر حاکمیت ضد خلقی قرار داده است.

از لحاظ آگاهی سبلی توده های مردم از سرمایه داران به مفهوم عمومی کلمه بیزاری آنها سرگردانی، فقر، و تنهایی زندگی خود را محصول وجود آنان میدانند و اگر چه هنوز کمونیستها نتوانسته اند آگاهی سوسیال دموکراتیک وسیع به میان طبقات کارگرو ساقشار مردم ببرند، کارگران و زحمتکشان تا آن حد که بد رستی سرما به داران را می شناسند و با آن ها درگیرند، حاضر نیستند تن به شرایط سخت و وضعی که آنها میخواهند انجام دهند، و حتی تن به حضور آنها در کارخانه ها بدهند. اما سرمایه داران و محافظان سرمایه هزار چهره دارند، و بنی صدر هنوز در ذهن توده های مردم به عنوان مدافع سرما به داران شناخته نمیشود. اما در مجموع و بطور کلی سرما به داران در ذهن توده مردم به دشمنان حقیقی شان تحول یافته اند؛ اینست آن نکته ای که یکسال و نیم پس از قیام میتوان از لحاظ آگاهی توده ها، از آن یاد کرد. روشها

در مقابل بازگشت بورژوازی بطور همه جانبه و راه اندازی نظم سابق، با توسعه مبارزه خویش در برابر هیات حاکمه، و از آنجا که خواست های باز هم جدید به جنبش انقلابی نقش قاطعی در تغییر این موازنه داشته اند، کارگران و زحمتکشان ایران در طی یکسال و نیم پس از قیام به سخت ترین مبارزات برای بهبود شرایط زندگی خود و حضور رئیسین سر نوشت خویش در جامعه دست زده اند. چه آن تقاضای "باده" کارگران شرکت نفت که خواهان شرکت نمایند، خود در شورای انقلاب بودند تا مبارزات دلاورانه خلقهای ایران در ترکمن صحرا، کردستان و... همگی به معنی واقعی کلمه جلوه گل شدن بحران اجتماع کنونی بسود بورژوازی را گرفتند. اگر چه بورژوازی در طی این مدت با بهره برداری از ناراضی توده های مزد م تلاش کرده است فضای لیبرالی ایجاد نماید و اقدامات خرده بورژوازی حاکم نیز به این کار کمک کرده، لیکن بطور قاطع میتوان گفت که نقش کمونیستها و نیروهای انقلابی اگر نه با سرعت ولی به موازات این تغییرات، بالا رفته است. آنچه پیش از هر چیز امپریالیسم را به هراس و امیداردهمین است، اوضاع هر روز به نحوی تغییر میکند. که نیروهای انقلابی و کمونیست و دمکرات وزن سنگین تری در جنبش مییابند، فشار توده ها بر خـ

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی!



پاسخ به نامه‌ها

در چند هفته اخیر نامه‌های فراوانی به دست رسیده است که حالی از دقت و علاقه خوانندگان به نشریه چه از لحاظ محتوا و چه از لحاظ فرم میباید. نکات بسیاری از این نامه‌ها در ادامه کار نشریه در نظر گرفته میشود و عدم توجه به مفاد نامه‌ها نیست. در میان نامه‌ها سئوالها و انتقادات مشخص نسبت به مباحث تئوریک وجود دارد که برخی از این سئوالات و انتقادات جنبه عمومی داشته و بنا بر اهمیت موضوع میبایست مشخصا پاسخ داده شوند. بنا بر این ملاحظه میشود که پاسخ به نامه‌ها بطور کلی منحصر به این پاسخ‌های مشخص نیست. بسیاری از مطالبی که در نامه‌ها طرح و سئوال میشود در مقالات نشریه، که با توجه به نیازهای تئوریک و جنبش پریشته تحریر می‌آیند، در واقع بطور غیر مستقیم پاسخ داده میشوند.

اهمیت نامه‌ها که با راه‌آزوی ما مورد تاکید قرار گرفته است درست در اینجاست که بعنوان یک انعکاس در ذهن جاس‌ترین خوانندگان تا شیر فراوانی بر کیفیت کار نشریه میگذازد. ما بدین وسیله از تمام رفقای که برای ما نامه مینویسند تشکر میکنیم و با زحمات آنها و تمام خوانندگان نشریه دعوت میکنیم که برای ما نامه بنویسند.

● رفقا "ر-م" و "و-ای" از تهران، رفقا ابراهیم و نیا از خوزستان و بهمن، هم چنین رفقای دیگری در نامه‌های خود به سرمقاله رزمندگان شماره ۱۳ و نیز بسیار نامه‌ها در مورخ ۲۴ تیرماه اشاره نمودند و ایندور از لحاظی متناقض یکدیگر را زیاده‌بینی نموده‌اند. نکاتی که این رفقا به آن اشاره کرده‌اند بخصوص به این نکته بر میگردد که در سرمقاله مزبور امکان دخالت مستقیم و گسترده امیرتالیسم با اشکال گوناگون در آن مقطع معین رد شده در حالی که در پیاپی نامه‌ها بعنوان یک "خطر جدی" از پیاپی گردیده است.

البته جدی بودن خطر در هر دو مورد صادق است و آنچه در واقع مورد نظر رفقا است اینست که در پیاپی نامه‌ها بعنوان یک اقدام طرح ریزی شده و معین از سوی امیرتالیسم و بورژوازی متکی به آن برخورد شده است. رفقا این دو برخورد متفاوت را متناقض یکدیگر دانسته‌اند.

با پدید آمدن مسئله توجه نمود که فاصله زمانی میان سرمقاله شماره ۱۳ و پیاپی نامه‌ها در تیرماه به دو ماه است. در سرمقاله ۱۳ که در اوائل خرداد ماه نگاشته شده است علت عدم امکان استفاده از راه‌های مستقیم و مستقیم‌ها امیرتالیسم جهت عملیاتی نظیر کودتا چنین ذکر شده‌اند:

۱- "افضا ح مربوط به همکاری ارتش با آمریکا در جریان تاج و تاج آمریکا از قبیل تخلیه

آتشبارهای ضد هوایی از یادگانها و فرودگاهها و از کار انداختن رادارها و غیره در شرایط کنونی نوعی هشیاری در افراد ارتش بوجود آورده است، آنچنانکه هرگونه نقل و انتقال برای آنها با پرسش آفرین است، بخصوص که حتی حزب جمهوری اسلامی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در این موارد به ارتشیان هشدار داده‌اند" (رزمندگان ۱۳ سرمقاله)

میدانیم که در این دو ماه تمام تلاش بورژوازی در این بوده است که ارتش را از سوطن خارج نموده و تمام هشیاری‌های پرسنل انقلابی آنرا خنثی و عدم اعتماد خرد بورژوازی حاکم را از میان بردارد. درست در تلاشهای بورژوازی و نیازهای خرد بورژوازی حاکم به سازمان و فرماندهی موجود ارتش بود (جهت بکارگرفتن آن در سرکوب خلق کرد و حفاظت از ارتش در مقابل نفوذ روبه گسترش انقلابیون در آن) که موقعیت ارتش بسیار دیگر احیا گردید. بگونه‌ای که بسیاری از فرماندهان، و کلا افسران مزدور ارتش همچنان بر جای باقی مانده و تا او خرتیر ما سازماندهی ضد انقلابی خود را همچنان حفظ نمودند. مثلاً لشکرزهی اهو از به حمل و نقل بزرگی از نیروها و مهمات از مرز عراق به شهرهای خوزستان دست زد و با دگنا نوزه و تیپ نوحه عملاً در اختیار آنها بود.

۲- "جوشید ضد امریکایی هرگونه دخالت آمریکا را بسرعت مواجه با اعتراض و مقاومت فشرده توده‌ها خواهد ساخت و عملیات ما جراحیانه آمریکا را بشدت خود تبدیل خواهد کرد" (هما نجا)

عملکردهای حاکم در طول دو ماه (خرداد و تیرماه) با طرح انقلاب فرهنگی و اداری و مقابله با دگنا در آن دستگیری و ضرب و جرح و اعدام آن انقلابیون و... خود بخود توده‌ها را نسبت به ما هیئت جمهوری اسلامی آگاه تر نموده و نفرت بخشهای بیشتری از آنها را از حکومت برانگیخت.

به عبارت دیگر مبارزه توده‌ها و تهاجم‌های مکرر هیات حاکمه که طبعاً تضادهای درون حکومت را تشدید مینماید مهمترین مسئله این دو ماه بوده است. در این میان ضد انقلاب مغلوب و مستقیم‌ها وابسته امیرتالیسم که به گسترش شبکه‌های خود در دستگا‌های اداری و نظامی مشغول بوده است هم از حفظ و تقویت این دستگا‌ها سود میبرده و هم از رشد ناراضی و خشم مردم از لحاظ سیاسی مشغول بهره‌برداری بوده است.

فعالیتهای انقلابیون که کوشیده‌اند جنبه وحدت ضد انقلاب بطور کلی (در سرکوب مبارزه انقلابی توده‌ها و فعالیت انقلابیون) را در کنارجنبه تضاد جناحی مختلف آن نشان دهند به آن وسعت و کیفیتی که بتوانند در بعد اجتماع موفق باشند نبود.

ده است. لذا طبیعی است که روند مبارزه طبقاتی جاری در جامعه ما (سرما به داری وابسته) که هیچگاه نمیتواند در چهارچوب خواسته‌های عمومی ضد امپریالیستی محصور شود. بشدت از سوی ضد انقلاب مغلوب و امپریالیسم مورد سوءاستفاده قرار گیرد و آلترناتیو ضد انقلابی دیگری را جای نشین آلترناتیو "جمهوری اسلامی" ارائه دهد. در جامعه پرتب و تاب ما مدت دو ماه فوق‌الذکر بواسطه تلاشهای بورژوازی حاکم و عملکردهای ناشی از خصلت ضد انقلابی تمام حکومت و ضعف انقلابیون فرمت مناسبی در بهره‌برداری ضد انقلابی از رویگردانی لایه‌های بیشتری از مردم نسبت به حکومت برای ضد انقلاب مغلوب بوجود آورد.

در سرمقاله ۱۳ بدرستی متذکر شده بودیم که "میتوان نتیجه گرفت که آمریکا در واقع کنونی ایران دست به اقدام نظامی وسیعی که توده‌های خلق را بر علیه و در روی وی فشرده سازد نخواهد زد" و "آنجا که پایگاه نیرومندی در بورژوازی لیبرال و ارتش دارد، قطعاً سعی خواهد نمود که از طریق همسوس نمودن شرایط و تضادهای داخلی ایران با منافع خود عمل کند" و این زمانی گفته شد که بی‌آمدت‌های واقعه طین جوشید ضد امپریالیسمی در ایران را بوجود آورده و موجودیت آن پایگاه و نیرومند را بخطر انداخته بود. درست شکسته شدن این جو که جبر مبارزه طبقاتی در جامعه ما (سرما به داری وابسته) که در عین حال جامعه‌ای است که در آن یک قدرت ضد انقلابی حاکمیت دارد آن را محتوم مینماید، بعلاوه رفع خطر از آن پایگاه‌های نیرومند، بعلاوه آزمان رفتن امکان تسلط بورژوازی حاکم بر قدرت سیاسی لازم بود تا امپریالیسم از طریق نیروهای مستقیم وابسته به خود مجدداً دست به اقدامی دیگر بزند. در طول این دو ماه این شرایط فراهم آمدند.

نیروهای مقاومت توده‌ای در مقابل تلاش‌های مستقیم امپریالیسم، تا آنجا که مربوط به خرد بورژوازی حاکم و تحت نفوذ آن است در اثر پراکنده شدن توده‌ها از اطراف آن از یکسو، رشد نیروهای انقلابی از سوی دیگر و تحولات درون این خرد بورژوازی (انجام ضد انقلابی، انزوای توده‌ها، قبضه نمودن قدرت سیاسی و بی‌نیازی از حمایت توده‌ای) بسیار رقیب تر گشته است. این تحول نیز عامل مهمی در جارت ضد انقلاب مغلوب میگردد. در اینجاست که اگر در سرمقاله شماره ۱۳ هنوز متذکر میشدیم که: "چنین کودتایی بدلیل نفوذ کلام خمینی در بین توده‌ها و وجود نهادها و ارگانهای نیرومند روحا نیست... در نتیجه شکست خواهد انداخته شد" اکنون دیگر مدتی است که نمیتوان ان از چنان نفوذ کلام و قدرت نهادها و ارگانها صحبت نمود. بهمین خاطر کودتای تیرماه خطری جدی چه از لحاظ جارت ضد انقلاب مغلوب، و در نتیجه از لحاظ مسئله مقابله با آن طرح گردید. و بهمین دلیل ما اکنون مدتی است که به ضرورت یک برخورد جدی و عملی به مسئله خطرات عملیات مستقیم امپریالیسم و کودتا و امثالهم از سوی انقلابیون اشاره نموده و بر روی اتحاد عمل مشخص نیروهای انقلابی و در درجه اول کمونیستهای میفرشیم. بنظر ما

بقیاض صفحه ۱

گزارش نشان میدهد که "استان قدس" که اکنون از سوی جمهوری اسلامی اداره میگردد و از قبول ویژه روحانیت حاکم است حاصل آشناسار را به چه اهدافی میرساند. ۲ میلیون تومان به حزب جمهوری اسلامی (ا.ک) در واقع جبهه سیاسی افراطی نظیر متولیان آستان قدس است و ۱۰۰ میلیون تومان به شهرداری اصفهان کسبه از جمله ادارات قبضه شده در دست

همین حزب است. با توجه به اینکه اصفهان یکی از پایگاههای مهم خرده بورژوازی سنتی مرفه یعنی نیروی اصلی حزب جمهوری اسلامی است. از منظر این طبقه مهم تهیه ذخایر لشکر "حزب الله" است، این کمک نیز مهمترین سیاسی خاصی دارد. همچنانکه در سری مقالات "اطلاعات ارضی و جمهوری اسلامی" نشان دادیم اراضی موقوفه نظیر "مزرعه"

نمونه "آستان قدس" شامل طینت سرخ املاجات ارضی جمهوری اسلامی میشود. در این اراضی مرغوب و بجا مثل استخوان رزمندگان تغییراتی نمی یابد و تنها با تداوم رزمندگان و متولیان تغییر می یابد و به عنوان "حکومت عدل علی" (۱) دستمزدها و ریزان را مطابق حداقل تعیین شده توسط وزارت کار به ۵۷۶ ریال برسانند. کارگران مؤمن من بخوبی آری ظاهراً نصف فزا و نسی دارند.

سری تحقیقات روستایی:

کشت و صنعت آستان قدس "مزرعه نمونه"

آستان قدس مجموعه ای وسیع از املاک و چندین کارخانه مینباشد. این املاک غالباً "از موقوفاتی تشکیل شده که در گذشته فتوایها برای بدست آوردن نام و نشان و نظا هر به دیانت به آستان قدس واگذار کرده اند. رشد و استقرار نظام سرمایه داری در ایران باعث شده که آستانه از محل درآمدهای موقوفات اقدام به خریداری و تاسیس کارخانجات و هتلها نماید. رقم عمده درآمد آستان قدس را اجاره زمین (چه زمین های زراعتی و چه زمینهای مسکونی شهری) تشکیل میدهد، هدایا و نذورات زوار و متاخرین بخش دیگری از درآمدهای آستان قدس می باشد. در بخش صنعت، آستانه دارای چندین کارخانه قند، کمپوت سازی، کنسروسازی، سردخانه، نان ماشینی، کشت و صنعت می باشد. اداره این کارخانجات و املاک که نه تنها در استان خراسان بلکه در همه ایران گسترده است. همراه با آموزشهای آستان قدس، اداره عربی و طویلی را بوجود آورده است، به این جهت علاوه بر کارگران، دهقانان و زحمتکشانی که با تولید بدوش آنها قرار گرفته تعداد زیادی کارمندان و خدمتکاران در ادارات آستان قدس مشغول کار هستند.

آستان قدس همواره منبع درآمد سرشاری برای وابستگان رژیم و دربار رنگین پهلوی محسوب می گردید و هنوز هم درآمدهای آن برای بهبود زندگی زحمتکشانی که خود بوجود آورنده این ثروتها هستند مورد استفاده قرار نمیگیرد.

یکی از موسسات نسبتاً جدیدی که آستان قدس تاسیس کرده (حدود ۱۴ سال پیش) کشت و صنعت "مزرعه نمونه" است و ما در این شماره به بررسی این موزه که مانند دیگر کشت و صنعتها یک موزه تولید سرمایه داری است می پردازیم. در امتداد جاده سرخ بعد از اینکه از قلعه خیابان بگذریم، زمینهای مسطح وسیعی قرار گرفته، این زمینها کشت و صنعت آستان قدس را تشکیل میدهد. مساحت کل "مزرعه نمونه" ۵ هزار هکتار مربع بوده و ۴۵ حلقه چاه عمیق این زمینها را آبیاری میکند. اداره آن توسط مدیرعامل که خود زیر نظر هیئت مرکزی از قائم مقام آستان قدس و چند نفر دیگر از دست اندرکاران آستانه می باشد، صورت میگیرد.

ماشین آلات "مزرعه نمونه" شامل ۱۷ دستگاه تراکتور، ۴ دستگاه کمباین و ۲ دستگاه کمباین چغندر و تعدادی ماشین آلات نیک از قبیل ویچین زن و ... است. تولیدات کشت و صنعت بطور کلی شامل محصولات کشت و صنعت و محصولات دامی می باشد. (الف) کشت و زری:

محصولات عمده کشت و زری شامل گندم، جو، چغندر، خربزه، سیب زمینی، گوجه فرنگی، پیاز و میوهجات سردرختی از قبیل سیب، گلابی، آلو، آلو نرگور.

جدول میزان کشت محصولات کشت و زری

نوع محصول	مقدار کشت تا یانه	مقدار برداشت در هر هکتار
گندم و جو	۲۰۰ هکتار	۶-۴/۵ تن
چغندر قند	۲۰۰ هکتار	۴۰ تن
گوجه فرنگی	۲۵۰ هکتار	۵۰-۲۰ تن
خربزه	۲۵۰ هکتار	۱۵-۲۰ تن
سیب زمینی	۵۰ هکتار	۲۵ تن

بر جدول بالا باید ۱۰۰ هکتار بونجه ۶۰-۶۰ هکتار تا کستان و ۲۲۰ هکتار باغات سیب، گلابی، زردآلو، آلو را اضافه نمود.

از محصولات فوق، چغندر و میوهجات سردرختی و گوجه فرنگی به کارخانجات سازنده قند و کمپوت و کنسرو که متعلق به خود آستان قدس است فرستاده میشود و بقیه محصولات در بازار آزاد بفروش میرسد.

تولید محصولات که کشت آنها مکانیزه است با استفاده از کارمزدوری انجام میگردد. تولید محصولات از قبیل خربزه، گوجه فرنگی، سیب زمینی و پیاز گوجه مکانیزه نیست بصورت اجاره ای و مناسف کاری انجام می پذیرد. به این ترتیب که زمین و آب و بذریا کشت و صنعت و بقیه کارها تا تحویل محصول به بازار با زارع است. در تولید محصولات سردرختی از کارمزدوری استفاده میشود و اجاره ای نیست.

بطور کلی نیروی کار در قسمت کشت و زری و ماغداری قرار میگیرد:

۱- کارگران ماده روزمزد که شامل میرآبها (حدوداً ۲۰۰ نفراند)، کارگران فصلی که برای جمع آوری محصول و کارهای متفرقه استخدام میشوند، باغبانان، مزد این کارگران روزانه ۵۷۶ ریال است. کارگران فنی که بیشتر سرپرست چاه های آب و مکانیک موتورها و راننده تراکتور هستند تعدادشان ۳۰-۴۰ نفر است و ماهیانه ۲۰۰۰ تومان مزد میگیرند. ساعت کار روزانه بین ۱۰ تا ۱۱ ساعت است.

۲- کشت و زری نفعه کار - این کشت و زری را میتوان اجاره محسوب کرد. حدوداً ۸۰۰ هکتار از زمینهای کشت و صنعت را این دسته کشت می کنند، قرارداد آنها با موسسه به این شکل است که زمین و آب و بذریا موسسه و کشت و برداشت

بدون رهبری طبقه کارگر سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم نابود نمیشود

۴- مهندسین ، تکنسین و دامپزشک : در این قسمت یک نفر مهندس دامداری کار میکنند که ماهیانه حدود ۷۰۰۰ تومان حقوق میگیرد. دو نفر تکنسین دامپزشک هفته ای دو روز کار میکنند و حدود ۲۵۰۰ تومان حقوق میگیرند. یک نفر دامپزشک هفته ای ۸ ساعت گوسفندان را بازدید میکنند و ماهیانه ۲۵۰۰ تومان حقوق دریافت میدارد. اگر بطور تقریب درآمد سالانه فروش محصولات این کشتی و صنعت را محاسبه کنیم رقمی متجاوز از ۲۵ میلیون تومان بدست می آید.

امکانات رفاهی کارگران - دهقانان - کارمندان : کارمندان و مهندسان بطور نسبی از یک سری امکانات رفاهی برخوردار هستند، ولی کارگران و زحمتکشانی که در این گشت و صنعت کار میکنند و اغلب اهالی روستاهای اطراف هستند، با دریافت مزد اندکی که در بلا ذکر کردیم از هیچگونه امکانات رفاهی از قبیل بیمه درمانی، اضافه کاری، حق مسکن، حق اولاد، خواربار، سود ویژه، سرویس ایاب و ذهاب و غیره که معمولاً در موسسات سرمایه داری هر چند بصورت فرمالیته به کارگران تعلق میگیرد در اینجا خبری نیست.

با این درآمد عظیمی که این گشت و صنعت دارد، زحمتکشان که خود مولد این ثروت هستند زندگی سخت و نامتناسبی دارند. در عوض این درآمدها صرف مصارف تبلیغاتی و کنسرشن سنگین دیوانسالاری و تشریفاتی میشود. مثلاً "آستان قدس اخیراً" مبلغ ۲ میلیون تومان به حزب جمهوری اسلامی و ۱۰۰ میلیون تومان به شهرداری اصفهان پرداخت کرد. در صورتیکه همان موقع شهرداری مشهد بودجه پرداخت اضافه کاری و حق لباس کارگران را که ماهها به عقب افتاده بود، نداشت.

محمول با زارعین است و محصول بدست آمده بین مزرعه و زارعین نصف میشود. علفچرزمین هم متعلق به کشتی و صنعت است.

۳- مهندسین ، تکنسین ها و کارمندان : ۳ نفر مهندس کشاورزی با حقوقی در حدود ۷۰۰۰ تومان نفر تکنسین ماهیانه در حدود ۳۰۰۰ تومان و چهار نفر کارمند اداری با حقوقی ماهیانه ۴ تا ۵ هزار تومان بهم دامداری :

در این قسمت ۳۰ گله گوسفند که هر گله ۵۰۰ راس میش در دنگهداری میشود. پرورش گوسفند در این جا برای تولید بره است که اصطلاحاً "آزاد پرورش" داشتنی " میگویند درآمد حاصل از این رشته با در نظر گرفتن اینکه از هر ۱۰۰ راس میش دست کم ۹۰ راس بره در سال تولید میشود و قیمت هر بره پس از ۴ ماه چرا حدود ۴۰۰۰ تومان است، سالانه مبلغی در حدود ۵/۵ میلیون تومان میشود. علاوه بر آن از محصولات مختلف دامی از قبیل شیر - پشم نیز استفاده قابل ملاحظه ای بدست می آید. (مثلاً " هر گوسفند در سال ۲۱/۵ کیلو پشم میدهد.) نیروی کار در این قسمت شامل :

۱- چوپان ، کمک چوپان ، خان چوپان : هر گله یک نفر چوپان و یک نفر کمک چوپان و هر ع گله یک خان چوپان دارد. مزد خان چوپان ماهیانه ۲۰۰۰ تومان و چوپان ۱۳۰۰ تومان و کمک چوپان ۱۰۰۰ تومان است. ضمناً " ۹٪ تولید بره هر گله در سال سهم چوپان و کمک چوپان و ۱٪ تولید بره هر ع گله متعلق به خان چوپان میباشد. ضمناً یک نفر مامور خرید و فروش (چوپدار) هم در اینجا کار میکنند که ماهیانه ۳۵۰۰ تومان مزد میگیرد. روزانه کار برای چوپانان معنی ندارد، در واقع میتوان گفت ساعات کارشان ۲۴ ساعته است.

پاسخ به نامه ها

پیام صفحه ۶

شکست طرح خودتای تیرماه ضربه بزرگی برآ ما دگی ارتش جهت ایفای نقش قبلی خود وارد نموده است. اما بهیچ وجه آن شرایط سیاسی را که بعد از واقعه طبعی بوجود آمد میدان اشاره کردیم، بر علیه اقدامات ضد انقلاب مغلوب و امپریالیسم بوجود نیاورده است. بهمین خاطر استفاده از اهرم دیگری (مثلاً ضد انقلابیون فراری و مزدوران سازمانده شده در خارج مرزها) که در رابطه با اهرمهای دیگر (انگانات بورژوازی لیبرال که در اپوزیسیون قرار گرفته و روحانیون پشتیبان آنها) او از جمله ارتش (بخصوص ارتش مستقر در خوزستان و کردستان) عمل کنند، اکنون در صدر توجه و فعالیت مستقیم امپریالیسم و وابستگان داخلی شان است.

چندین نامه از رفیق صمد از تهران داشتیم که نشان دهنده دقت و احساس مسئولیت قابل تحسین رفیق است. در یکی از نامه ها رفیق به سرمقاله ۱۲۲ اشاره نموده و متذکر شده است که تعرض جدید خرد بورژوازی را نمیبایست سرکوب کلیه جریانات سیاسی مخالف با آنها دانست. بقول رفیق خرد " بورژوازی حاکم "توده های مردم و کمونیستها را واقعا سرکوب میکند و جریانات بورژوا لیبرالی را صرفاً عقب میراند". توجه رفیق را به منظور از "جریانات سیاسی مخالف" که در سرمقاله با مثال ذکر شده است جلب میکنیم. این جریانات سیاسی

شامل بورژوازی لیبرال (و نه همه آنها) نیست میگشت. آیا بستن دفا تر حزب ایران و جبهه ملی و تعقیب قانونی خسرو قشقایی و مدنی و امثالهم سرکوب نیست؟ البته که هست؛ اما سرکوب داریم تا سرکوب کمونیستها را اعدام میکنند و مدنی ها را دعوت به دادگاه!

منظور ما از "جریانات سیاسی مخالف" البته جناحهای بورژوازی هیات حاکمه نیست اگر چه اینان نیز مخالفتی با جناح خرد بورژوازی بی حاکم دارند. لذا اگر چه در متن مقاله موضوع روشن است اما بهتر بود که ما جریانات سیاسی دراپو زیسیون را بجای "جریانات سیاسی مخالف" خرد بورژوازی حاکم ذکر میکردیم. هم چنین رفیق نسبت به کار برد واژه "شکلهای ارتجاعی" برای انجمن های اسلامی و امثالهم اشاره کرده است که با دقت بیشتر متوجه میشویم که مقاله بدرستی واژه "شکلهای ارتجاعی" استفاده شده است.

کار کمونیستها در کارخانجات و در میان توده ها و ضرورت های طرح برنامه و تبلیغ و ترویج پیرامون آن نامه ای داشتیم که مورد استفاده ما قرار گرفت.

رفقای دروازه غار، رفیق منیر - م. ن. س. م. ه. س. م. م. و احمد - واعظ - نام های شما رسید و در وندگاه ت. مورد توجه قرار میگیرد.

رفیقای از ما شهردر مورد تا شیرا رگان در محیط و ضرورت توجه با زهم بیشتر به محتوای آن نوشته بود که مورد بررسی قرار گرفت.

نامه های از رفقا، فرشته تهران، م. ه. مسعود احمد تهران، بهرام شیراز، احمد تهران، آ. با. - دان س. ع. حسین دانشجو داشتیم که به نکات آن در شماره های بعدی بخورد خواهیم کرد.

تعداد زیادی نامه های فاقد اسم مستعار و شهرت رسیده است. از تمام رفقا میخواهیم که حتماً اسمی مستعار بهمراه تاریخ و شهر خود در نامه های خود ذکر کنند.

از رفیق کارگری از کارخانه هوست در مورد

بیاض صنفه ۱۰

زندگی مردم صورت نکرده است... من مشکلات کارگران را در زندگی روزمره شان درک نمی‌کنم... اما آیا میتوانم مشکلات کارگران را در زندگی روزمره شان رفع نمایم؟ آیا اوها همین اظهارات و وعده‌ها در ۱۹۷۰ بجای "کومکولک" به دسیرا ولی حزب انتخاب نشد؟ تجربه امروز کارگران لهستان و تجربه ده ساله شان مانع از آن خواهد شد تا گریک بتواند با تبلیغات خود بر خواسته‌های واقعی کارگران سرپوش بگذارد.

اعتصابات دو ماهه کارگران لهستان که بنا به آمارهای گوناگون رقمی بین ۴۰۰۰۰ تا نیم میلیون کارگر را دربر گرفت از خصوصیات بارز آن، نظم و وضکت فعال توده‌های کارگر و همبستگی و سیاست برابر خواهانه کارگران بود. کمیته‌های اعتصاب محیط کارخانه را کاملاً تحت کنترل گرفته هر نوع عامل هرج و مرج حتی مصرف آبجور ممنوع اعلام کردند. همه تازه واردین را واری می نمودند و هیچگاه تن به سیاست تفرقه افکنانه دولت که سعی داشت با هروا حد مستقلا وارد مذاکره شوند ندادند. خانواده کارگران شیان روز در خانه کارخانه‌ها و محل تجمع کارگران اعتصابی گرد می آمدند و با تشویق و تهنیت کارگران و تهیه غذا روح همبستگی این طبقه تاریخ ساز را عیان می ساختند. گسترش فزاینده اعتصابات نظم عظیم کارگران را مختل ننمود و هشیارانه در مقابل توطئه‌هایی که میتوانست حوادث خونبار ۱۹۷۰ را تکرار و دردمنا نعت بعمل می آوردند. بی شک اعتصابات تریسریس شونده کارگران لهستان که سالهای ۱۹۵۶، ۱۹۷۰ و ۱۹۷۶ نمونه‌های بارز گذشته آن میباشند در این حد باقی نمیماند همچنانکه کارگران در سال ۱۹۸۰ بسیار فراتر از خواسته‌های بحرانی گذشته قدم گذاشتند. مبارزات کارگران در متن بحرانی که از یکسواشی از وابستگی اقتصادی و سیاسی لهستان به سویال امپریالیسم شوروی بود و از سوی دیگر از سخت‌بوروکراتیک و حاکمیت رویزیونیستی آن ناشی میشود عتلا یافته و انکال متعالی تری بخود خواهد گرفت. رشدایز و بدبجیرتاریخ میبایست مستقیماً بر علیه غاصبین رویزیونیست نیست که دست آورده‌های مبارزات خلق لهستان را در دوران سلطه فاشیسم هیتلری و حکومت دموکراسی توده‌ای ۱۹۴۷ تا سالهای نخست دهه ۱۹۵۰ بر باد دادند به پیش رود و سویالیسم دروغین، سویالیسم مثنی بوروکرات رویزیونیست و خاشن به منافع پرولتاریا را سویالیسم میان تھی رهروان بورژوازی را عیان سازد.

اگر مبارزات کارگران برای بهبود شرایط عمومی زیست خود برای کاهش هزینه‌های زندگی، برای حق اعتصاب و اتحادیه‌های آزاد شده از یوغ بوروکراتیسم موسوم به حزب کمونیست همه‌سایانگرا ساختن اقتصاد - اجتماعی است که در آن نه تنها کارگران حکومت نمیکنند، نه تنها از حق اتحادیه‌های مستقل خود محروم هستند و نه تنها حق اعتصاب ندارند بلکه به تعبیر لنین "هرکس که گوشت میخواهد باید اعتصاب کند" اگر اعتصابات گوناگون و بحرانیهای تریسریس شونده ۱۹۷۰ - ۱۹۷۶ و اینک ۱۹۸۰ و خواسته‌های کارگران مطلقاً چیسری بنام سویالیسم را در لهستان نفی میکنند و اگر کارگران لهستان نیز مانند کارگران جوامع سرمایه‌داری هنوز حتی برای حقوق بورژوازی نیز مبارزه می نمایند تصور سویالیسم، تصور حکومت کارگران یا حتی دموکراسی توده‌ای در چنین روابط اجتماعی - اقتصادی چگونه میتواند مطرح شود. خواسته‌های کارگران ورشته بهم پیوسته مبارزاتشان از ۱۹۵۶ بدین سو در درجه اول آن چیزی که خاشن به پرولتاریا رویزیونیستهای رنگ و وارنگ بنام سویالیسم تبلیغ می نمایند نفی نموده و بیانگرا را با بطیست که در آن همچنان کارگران اسیر زنجیرهای خود هستند و همچنان برای رهایی از زنجیرها مبارزه مینمایند. و اگر خواسته‌های سیاسی اقتصاد کارگران دقیقاً بمعنی انهدام حاکمیت سویالیسم و حتی دموکراسی توده‌ایست و جسد شمارهای مذهبی و مراسم دعا و نیایش در ضمن اعتصاب و بالابردن تما ویر "مریم مسیح" و پاپ و تبلیغ کا تولیسم منحط نیز بیانگرا کوشه‌ای دیگر از خیا نتهای رویزیونیسم و سلطه آن بر بلوک به اصطلاح سویالیستی اروپای شرقیست. هنوز برخی از کارگران، پاپ لهستانی

را بسیار غرور و افتخار ملی خود میدانند و در ضمن اعتصاب به سروده‌های مذهبی متوسل میشوند عدم رشد فرهنگ سویالیستی در جامعه لهستان کنه بنظر پاپ بیگانه مذهب کا تولیک در جهان کمونیستی است و کمونیستین کلیساها و نمازخانه‌ها و مراکز بنام "دانشگاه‌های سباز" و "دانشگاه‌های دهقانی" برای تحقیق توده‌ها و تبلیغات ضد کمونیستی گوشه‌ای از خیانت رویزیونیسم به آرمان پرولتاریاست. مذهب در لهستان بعد از ۳۳ سال که از پیروزی خلق لهستان میگذرد آنچنان پای به نفوذ ذی حتی در بین کارگران دارد که سال گذشته وقتی پاپ به لهستان موطن خویش بر میگردد و دولت مانع از سفر او به مناطق معدنی میشود ۱۰۰۰۰ کارگر معدن دست از کار کشیده و برای دیدار پاپ و نیایش در حضور او به مقروی راهی میمانند. سویالیسم اگر ۳۳ سال از دوران حاکمیتش در لهستان گذشته باشد چگونه میتواند این چنین فرهنگی را در پرولتاریا هنوز حفظ کرده باشد. سویالیسم چگونه میتواند بعد از ۳۳ سال برای فرونشاندن اعتصابات کارگری از کار ردینال کا تولیک بخواد در تلویزیون سراسری کارگران را دعوت به آرامش نماید. آن شرایط اقتصادی فکراگری و تبلیغ مزورانه آن بنام سویالیسم، دقیقاً زمینه رشد و تقویت کا تولیسم منحط را حتی در میان کارگران بوجود آورده است. همچنانکه بورژوازی اروپای غربی و آمریکا یکا نیز از آن با عنوان سویالیسم بر علیه آرمان پرولتاریا بهره‌مند میشود. ما منکر یقا، دیرپای مذهب حتی در جامعه سویالیستی نیستیم ما با وجود مذهب در این شکل و با این ابعاد چگونه میتوانست با تکامل ۳۳ ساله سویالیسم چه در زمینه فرهنگ مادی و چه در زمینه فرهنگ معنوی تعبیر شود. خیانت به امر پرولتاریا بوسیله رویزیونیستهای لهستان و سراسر اروپای شرقی، بسرکردگی اربابان سویالیسم امپریالیستشان نه تنها سویالیسم را به انهدام کشانده است بلکه فرهنگ معنوی آنرا نیز در این جوامع از تکامل باز داشته است و پرولتاریای لهستان برای اخفاء سویالیسم باید فعالانه بر علیه جریانهای مذهبی همه جریانهای بورژوازی که کوشش دارند مبارزات آنهارا به انحراف کشانند. مبارزه نماید. رویزیونیسم همه چیز را در لهستان به انحطاط کشانده است. اجباء مذهب در این ابعاد خود بنوعی بمعنی نابودی سویالیسم نیز هست.

اوج گیری مبارزات کارگران لهستان دامنه تبلیغات بورژوازی اروپا و آمریکا را بر علیه سویالیسم شدت بخشیده و تلاش دارند تا جنبش پرولتاریای لهستان را که بر علیه حاکمیت رویزیونیستها و تحقق خواسته‌های تردیونیونی اش است بر علیه سویالیسم جلوه دهد در مورد مبارزات طبقه کارگر لهستان حتی اگر خیانتا محافل بورژوازی نیز در بخشهایی از آن نفوذ داشته باشند باید اضافه کرد که ایس شرایط مشخص زندگی وی در لهستان است که وی را بمبارزه کشانده است و برای احقاق خواسته‌های تاریخی خویش مستقلا مبارزه خواهد نمود بررسی مبارزات کارگران لهستان برجسته ترین واقعیتی است که ما هیت آن چیزی را که رویزیونیستها به تبعیت از اربابان روسی شان بنام سویالیسم تبلیغ مینمایند و بر خلق لهستان حاکم است آشکارا مینماید. سویالیسمی که صرفاً رویزیونیستها نام تھی آنرا برای پیش برد اهداف اجتماعی - اقتصادی بورژوازی خود بگسار میکنند. بحرانی دوم ماهه اخیر دنیا له آن سری بحرانیهای فزاینده ایست که در ۱۹۵۶ در ۱۹۷۰ و ۱۹۷۶ رخ داده و اینک در ابعاد گسترده تر از همیشه چه از نظر هماهنگی و نظم توده‌ای و چه از نظر نوع مطالبات ادامه می یابد و طبقه دوران جدید مبارزات کارگران آن کشورها است که احزاب خاشن رویزیونیست دست آوردهای مبارزات خلق های آنرا به انحطاط کشانده اند و راه تکامل جا مراه رسد نموده اند. آریا همچنانکه ما رکن در قرن نوزدهم اظهار میداریم "لهستان گرما سنج خارجی شدت و توان همه انقلابات ۱۷۸۹ بعد است"؟ واقعیت چنین نشان میدهد. هراس نوسیا امپریالیسم از مدخله نظامی در لهستان علیرغم تهدیدات غیر مستقیم آن بیانگرا عمق بحران ابعاد جنبش وحدت و همبستگی طبقه کارگر لهستان بوده که نخواهد گذشت "تا نکھا روسی جای گوشت را بگیرند" (اشاره به نقل قول یکی از دبیرهای شوروی است) *

لهستان: • کارگران پروتیه رویزیه نپس

بمانند ۱۰۰ ما اینکداین توافقات را رژیم کمپوتی عملی سازد با بقول یکی از رهبران کارگران صرفاً "صحتی باشد در باره" صحبتها "چیز است که در درجه اول وحدت طبقه کارگر لهستان و مبارزه و با فشاری برای تحقق خواستهها و توافقات تعیین خواهد نمود. تعویض نخست وزیر پانیوشو برکناری سه تن دیگر از اعضای دفتر سیاسی حزب پروتیه نپس لهستان که کارگران آنرا نیز بمسوا ن بعضی از کماتیکه با عنایت مدعات و کمبودهای اقتصادی کشور شده اند" معرفی کرده بودند نیز یکی دیگر از خواسته های بود که از همان آغاز اوج گیری اعتصابات دبیر اول حزب زیر بار فشار اعتصابات به آن تن در داده.

بحران اخیر لهستان که موجب اعتصابات گسترده ای گردید بعد از شورشی کارگری ۱۹۷۰ در جنبش کارگری لهستان بی سابقه است در مسوا میرسال ۱۹۷۰ نیز با لارفتن بهای مواد غذایی اعتصابات و تظاهرات خیابانی کارگران شکل گرفت که در درگیریهای خونینی با پلیس پیدا کردند طبق خبر منابع رسمی دولت لهستان ۴۶ کشته و ۱۶۰ از خمی دادند ستاد مرکزی حزب را به آتش کشا نند و در جنبش پیاپی خونینی دبیر اول حزب گومولکا را برکنار کشید و گیرک با تعهدات مین نیا ز کارگران جای وی را گرفت و در ۱۹۷۶ با لارفتن هزینه مواد غذایی سرپا کارگران را وادار به عکس العمل نمود در آن زمان را بستند و دفاعات محلی حزب را به آتش کشیدند و دولت را مجبور کردند طی ۲۴ ساعت بهای مواد غذایی را به نرخ سابق آن بازگردانند اما دولت گیرک که زیر فشار مبارزات کارگران مجبور بود با صرف ۴۰٪ از هزینه بودجه سالانه خود قیمت کالا های مصرفی شود. با سوزن کالاهای غذایی را پائین نگه دارد و ماه قبل بدلیل نا رضایتی تولیدکنندگان کشاورزی (بین ۲۰ تا ۷۰٪ مزارع کشاورزی در مالکیت خصوصی دهقانان است) افزایش واردات و بار سنگین ترخه های خارجی که به ۱۹ میلیارد دلار بالغ شده است و کاهش قابل توجه نرخ رشد سالانه صنایع (نرخ رشد اقتصادی سال ۲۸/۰۷۹٪ کمتر از میزان پیش بینی شده و نرخ رشد صنایع در همین سال ۴/۹٪ کمتر از میزان معین شده بود) با ردیگر بهای گوشت را با لایر ده تا از طرفی بنا کاهش تقاضا بتوانند میزانی از آنرا ما در شونده و با بالا نگه داشتن نرخ آن از بحران کشاورزی و نا رضایتی صاحبان خصوص مزارع بکا همد اما بالا بریدن نرخ گوشت بمشابه جرقه ای برانبار با روت نا رضایتی طبقه کارگر عمل نموده و اعتصابات پراکنده ای را از ۸ هفته قبل موجب شد دولت در آغاز تلاش داشت تا بطور موقت در سطوح محلی مذاکره با کارگران هر کارگاهها کارخانها و صرف هزینه ای معادل ۱۱۷ میلیون دلار داشته باشد با رضایتی را کاهش داده و از کمترین همه جا ننه آن جلوگیری کند اما سناستهای دولت گیرک موثر واقع نشد و با شروع اعتصابات در کشتی سازی گدا ننگ بندر سواخل شمالی لهستان نقطه عطف اعتصابات شکل گرفت و سراسر بنادر شمالی قریب ۴۰۰ کارگاه و کارخانها در بر گرفت و به بخش خدمات شهر و از جمله رانندگان و سائل نقلیه عمومی و همچنین مراکز صنعتی کلیدی شهرهای جنوبی سرایت گسترده و زمزمه اعتصابات عمومی در مزارع لهستان سوزنده و شونیز در این اواخر در گرفت. خواهشهای کارگران از بالا رفتن حداقل حقوق و بهبود شرایط کار که مطالبات عمومی کارگران است فرا تیرفته و مطالبات سیاسی واجتماعی از جمله تشکیل اتحادیه های آزاد کارگری به رسمیت

شناختن حق اعتصاب برای این اتحادیه ها و لغو سانسور آزادی زندان نهان سیاسی و... بمیان آمد.

ابعاد اعتصاب با شروع موج اعتصابی از مجتمع کشتی سازی "لنین" با ۱۶۰۰۰۰ کارگر و توسعه آن به سراسر بنادر بالتیک در شمال لهستان بحدی بود که در سراسر لهستان حالت فوق العاده و بحرانسی ایجاد نمود. تعیین میزان دقیق اعتصابات با توجه به توسعه پراکنده آن طی دو ماه امکان پذیر نیست. کافی است ذکر شود که یکی از اعضای دفتر سیاسی حزب در مذاکره با یک خبرنگار خارجی در وروشا اظهار داشت که "تنها در لیبولین ۲۰۰ کارخانه و کارگاه دست از کار کشیده اند" و کمیته اعتصاب صنایع گدا ننگ ادعا نمود که ۲۶۰ کارخانه و کارگاه را تحت پوشش خود داشته و تعداد اعتصابیون روز بروز افزایش میابد. و بنا به اظهار گیرک در تلویزیون سراسری لهستان هر روز اعتصاب ۵۰ میلیون دلار به اقتضا د کشور لطمه میزند.

حزب پروتیه نپس تا کم بر لهستان ابتدا تلاش نمود تا از طریق تبلیغات سیاسی بر علیه کارگران بعنوان عناصر "فدوسیا لیست" یا کماتیکه تحت تاثیرات رشیستها و ضد سوسیا لیستها قرا ر گرفته اند و بخش اعلامیه ها و تراکتها از طریق هلی کوپتر در مناطقی اعتصابی امواج اعتصاب را فرو بشارند اما پاسخ یکی از زنان کارگران کشتی سازی واقعیت امر را به آشکاری بیان میدارد و میگوید "ما ضد سوسیا لیست نیستیم ما حداقل معیشت جایی برای زندگی و تا مین حداقل رفاه برای فرزندانمان را میخواهیم" دولت بعد از تلاش نمود تا از طریق تفرقه در بین کارگران و مذاکره با کارگران اعتصابی هر واحد توسعه اعتصاب را متوقف کرده و به اهداف خود برسد که نما بندگنان کارگران تحت فشار توده های کارگر که شرکت فعال آنها از ویژگی های اصلی این اعتصاب سراسری بود با عت شکست این سیاست دولت گردید

رشته اصلی اعتصابات گسترده اخیر لهستان اعتصاب مجتمع کشتی سازی گدا ننگ بود. کمیسیون مذاکره با نما بندگان کارگران تصمیم گرفت تا از طریق پذیرش خواهشهای اولیه کارگران گدا ننگ این شعله فروزان را فرو بشارند و در مذاکره با اعضا کمیته اعتصاب نما بندگان کارگران با شرط افزایش ۵۰ دلار حقوق ماهانه و تا مین امنیت قضایی برای کارگران اعتصابی پذیرفتند که به اعتصاب پایان داده و به سزکارشان بازگردند اما وقتی "لیک و السالیکسی" از نما بندگان کارگران بمیان آنها بازگشت و نتیجه مذاکرات را بیان داشت کارگر جوانی فریاد کرد "لیک ما را فروختی. ما میا نیست همراهمه کارگران تا آخر مبارزه نما شیم" و لیک این تکنسین ۳۷ ساله و نماینده پرشور کارگران نیز با آنها همصدا گردید: "ما همراه هم برای تا مین همه مطالباتمان مبارزه خواهیم کرد"

افزایش ۵۰ دلار حقوق متوسط کارگران کشتی سازی را به ۳۸۵ دلار پیرا نند که بیشتر از دوبرابر حقوق متوسط کارگران صنایع کشور یعنی ۱۷۲ دلار بود اما خصلت عظیم توده ای اعتصابیون شرکت وسیع و منظم توده های کارگر مانع از پیشرفت سیاست جدایی افکنانه حزب پروتیه نپس گیرک گردید.

بالاخره گیرک در نطق تلویزیونی خود آشکارا بحران اقتصادی کشور و نیازمندیهای کارگران را تا شید نمود و اظهار داشت که "اشتباهاتسی در زندگی اقتصادی رخ داده است و پیشرفتی در سازمان تولید و بقیه صفحه ۹

قطع کامل رسته های خونین امپریالیستها فقط بوسیله کارگران و زحمتکشانشان امکان پذیر است!

یک رزمندگان

۱۸ صفحه

کمیته‌ها هرگز به مردم دروغ نمی‌گویند.
کمیته‌ها هرگز به صاحبان قدرت
تکیه نمی‌کنند. کمیته‌ها فقط به
قدرت طبقه کارگر و مبارزین حقیقت‌گویان
و روشنفکران انقلابی متکی هستند.
ولادیمیر ایلیچ لنین

خطاب به:

کارگران دلاور صنعت نفت ونمایندگان آنها

کارگران قهرمان صنعت نفت! هنوز
فریادهای "درود بر کارگر نفت ما" در گوی
شما طنین انداز است. خلق ما ضربات
گوبنده و تعیین کننده‌ای را که با اعتما
بات قهرمانان و سراسری شما بر پیکر
رژیم شاه‌خائن وارد آید مدهیگاه فرا موش
نمیکنند.

مبارزات دلاوران کارگران نفت
در نیم قرن اخیر نشان دهنده نقش عظیم
آنها در پیشاهنگی جنبش انقلابی و کار
گری میهن ماست. بقیه ر صفحه ۲



در جریان رشد هرا انقلابی روزهای
وجود دارند و فراموش نشدنی و سرنوشت ساز
که نقطه عطفی در جریان قهرمانیها و
جانبازیهای خلق به شمار میروند. ۱۷ شهریور
بورسال ۵۷ چند روزی است. روزی که
۷۰ هزاران شهید گمنام خیا با
تهای تهران را گلگون کرد و با ردیگر
در تاریخ نشان داد که خلقها در راه مبار
زه خود از هیچ چیز حتی جان نشان نیز دریغ
ندارند.

تا قبل از حماسه ۱۷ شهریور و از آغاز
اوج گیری انقلاب در تابستان ۵۶ مبار
زه از تداوم روز مژه برخوردار نبود. بر
اکنده و با فاصله در شهرهای مختلف
تظاهرات صورت میگرفت. مردم یک شهر
خیا با آنها میریختند و با دادن شعارهای
تظاهرات کرده و بعد از یورش و تهاجم
پلیس و ارتش ضد خلقی شاه و درگیری با
آن به خانه‌ها ایشان میرفتند تا شهید
بقیه ر صفحه ۶

در صفحات دیگر میخوانید



دروغهای شاخدار رژیم

دانشجویان دختر شهید

از خوابگاه به زندان اوین



حزب خائن توده

دست سازشکاران رارومی کند

مبارزه و آگاهی توده‌ها

پشتوانه فعالیت

نیروهای انقلابی



در پرامون محاکمات

احمد رضا کریمی خائن

و...

کارگران در حمایت از هم‌زمان اخراجی خود

اخبار کارگری

در صفحه ۶

هولناک جنایات و ترسناک‌ها، آنان را
اجباراً از مبارزه دور گردانده بود. خبر
گزاری‌ها جمعیت تظاهرات کننده را تا پنجاه
هزار نفر برآورد کرده اند. و این یک نوید
گرمی بخش از آتش است که خود را از خا
گستر میباید.

اینک، پینوشه، این سردار محبوب
سرمایه‌داران شیلی و امپریالیستهای
آمریکایی که با خون سرخ کارگران،
چرخهای سرمایه را بنحو "مطلوبی" برآه
انداخت، خود را آماده میکند تا با دستگا
ری در قانون اساسی، حاکمیت خود را
تا سال ۱۹۹۷ بیمه کند. زیرا او به برتری
تفنگهای آمریکایی در مقابل سینه‌های
برهنه کارگران ایمان کامل دارد.
طبقه کارگر شیلی، تجربه‌ای دردناک اما
گرانها را از سرگذرانده است. تجربه‌ای
که در آن، خیانت رهبران دروغبین و
جنایت دشمنان آشتی ناپذیرش را، با
خون سرخ عزیزترین فرزندانش آزموده
است. تجربه‌ای که باید به معرض قضاوت
تمام کارگران جهان گذاشته شود. تا بار
بقیه ر صفحه ۷



در آستانه هشتمین سال کودتای خو
نین و جنایتکارانه و ترسناک‌های آمریکا
بی در شیلی، اینک خبرگزاری هسنا،
از نخستین تظاهرات مردم بر علیه حکومت
مت نظامیان خبر میدهند. سا نتیا گویس
از هفت سال سکوت خونین را، دوباره شاهد
خروش رجمتگشانی است، که زخم‌های

خطاب به...

بالا بودن درجه آگاهی و رشد سیاسی و اجتماعی، اتحاد و همبستگی و مبارزات قهرمانانه کارگران صنعت نفت و نقش حساس صنعت نفت در حیات اقتصادی ایران، باعث گردیده که شما همواره خارج چشم ارتجاع و امپریالیسم و سد محکمی در مقابل حاکمیت بلامنزاع آنها باشید.

رژیم جمهوری اسلامی که از آگاهی، شکل و قدرت کوبنده، شما کارگران صنعت نفت با خیز بودا ز همان ابتدای حیاتش به خیال خام خود سعی نمود با دادن بعضی امتیازها مانند اختصاص بکروزیول نفت به کارگران صنعت نفت شما را از بنفیه کارگران و زحمتکشان جدا سازد اما زهی خیال باطل! شما با تکیه بر آگاهی و سابقه و تجربه مبارزاتی خود دست به تشکیل شوراهای در تمام رشته های صنعت نفت زدید و همراه با شناخت هر چه بیشتر ما هیت رژیم جمهوری اسلامی و مشاهده اعمال سرکوبگرانه آن در کردستان و سراسر ایران گام های مثبتی در جهت متشکل شدن در شوراها و اتحادیه سراسری کارگران نفت برداشته اید. انتخاب ۵ نفر نماینده جهت مذاکره با کارفرما (دولت) برای بستن پیمان جمعی خود نشان میدهد که شما کارگران صنعت نفت ضرورت مبارزه و فعالیت متحد و یکپارچه تمام کارگران صنعت نفت را درک کرده اید. و در جهت آن قدمهایی نیز برداشته اید.

اما این درک ضرورت، قدم اول است و تنها دریا به برداشتن قدمهای بعدی یعنی ادامه مبارزه با زمان یافتنه و انقلابی و با برنامه برای رسیدن به خواسته های بلند مدت و کوتاه مدت طبقه کارگر و کارگران صنعت نفت، نتایج مثبت خود را به بار خواهد آورد.

نمایندگان کارگران صنعت نفت پیترووشیمی شرکت کننده در مذاکره پیمان جمعی با دولت در پایان مذاکره به خود با مقامات دولتی، طبیبی های شرکت در مذاکرات و بی نتیجه آنرا اعلام کرده و نظراتی ابراز

داشته اند. که بی توجهی نسبت به این نظرات و برخورد انقلابی نکردن به آن، می تواند نتایج زیان باری، بیار آورد. نمایندگان در این اطلاعیه، ضمن اعلام بی نتیجه بودن مذاکرات با وزارت نفت و کار رود فتر رئیس جمهوری به حق به وزارت نفت و کار را اعتراض کرده اند و این اعتراض، ندای اعتراض تمامی کارگران دلاور صنعت نفت گاز، پیترووشیمی و کل طبقه کارگران، به بی توجهی گردانندگان جمهوری اسلامی نسبت به خواسته های برحق کارگران و اعتراض به اقدامات ضد کارگری رژیم حاکم است.

فرستاده نشدند؟ مگر اعمال و سیاستهای معین فتر وزیر نفت، عضو شورای انقلاب و کیستل مجلس اسلامی، در صددیت کامل با کارگران نیست؟ مگر هم اکنون دستگیری و اخراج و سبب کارگران مبارز و انقلابی در سرتاسر ایران، بدست هیئت حاکمه صورت نمیکرد؟ مگر خلق دلاور کرد، بیش از یک سال نیست که مورد هجوم و حمله وحشیانه ارتش و پاسداران قرار گرفته است؟ مگر خود شما در همین اطلاعیه نگفته اید که هیچ مقامی به کارتان رسیدگی نکرده

مبارزات دلاورانه کارگران نفت در نیم قرن اخیر نشان دهنده نقش عظیم آنها در پشاهنگی جنبش انقلابی و کارگری میهن ماست. بالا بسودن درجه آگاهی و رشد سیاسی و اجتماعی، اتحاد و همبستگی و مبارزات قهرمانانه کارگران صنعت نفت و نقش حساس صنعت نفت در حیات اقتصاد ایران، باعث گردیده که شما همواره خارج چشم ارتجاع و امپریالیسم سد محکمی در مقابل حاکمیت بلا منازع آنها باشید

است؟

پس چرا میگویید "دستهای درکنار است؟" ما هم میدانیم "دستهای درکنار است" ولی این دستها، دستان ناپاک و خون آلود کل هیئت حاکمه است که تمامی اعمال و سیاستهایش بر ضد کارگران و زحمتکشان و خلق ایران است. این دستها دستهای کل حکومت جمهوری اسلامی است نه دستهای مرموز و ناشناخته "نه" عناصر و محافظی در درون حکومت.

نمایندگان در اطلاعیه خواستار تعیین هیئتی برای رسیدگی به وضعیت پیمان جمعی شده اند. "ما نمایندگان کارگران صنایع نفت گاز، پیترووشیمی خوانیم" ما آنیم که هر چه سریع تر هیئتی تعیین در صورت امکان، با شرکت نماینده امام به این مسئله رسیدگی شود و وضع پیمان جمعی را روشن نماید. دوستان نماینده، مگر شما چند سطر بالا نگفتید که پس از مدت یکماه تلاش و سرگردانی و مذاکره با مسئولان وزارت نفت و کار رود فتر رئیس جمهوری نتیجه ای گرفته نشد؟ پس چگونه است که شما با زحمت و پیمان تعیین هیئتی برای رسیدگی وضع و عقد پیمان جمعی شده اید؟ اگر

اگرچه در اطلاعیه به صراحت از سرکردن شدن بی نتیجه بودن مذاکره، صحبت می شود، اما در ادامه اطلاعیه آمده است: "ما هشدار میدهم که دستهای درکنار است که تلاش دارند، ما کارگران صنعت نفت را که حاکمان واقعی انقلاب اسلامی ما مان بوده و هستیم، به اعتصاب ناخواسته بکشند"

آیا این شیوه برخورد تظہیر کردن هیئت حاکمه نیست؟ آیا بکاربردن اصطلاح معروف "دستهای درکنار است"، که ورد زبان سازشکاران و فرصت طلبیان شده است باعث نمیکرد که ما هیت ضد کارگری و ضد انقلابی کل هیئت حاکمه پنهان گردد؟ آیا اینگونه برخورد کردن به موضع گردانندگان جمهوری اسلامی نمیخواهد اینطور و نمود کند که دستان ناپاک در میان دستان پاک هیئت حاکمه بر ضد کارگران توطئه چینی میکند؟ و بدین ترتیب مسئولیت تمامی اعمال و سیاستها ضد کارگری و ضد انقلابی کل هیئت حاکمه را به دستهای مرموز نسبت دهد؟

مگر شورای مرکزی کارگران صنعت نفت از هوا ز بدست دستان انقلاب خوزستان منحل نگردید؟

مگر ۴ تن از نمایندگان کارگران پالایشگاه آبادان دستگیر و زندان اوین

خطاب به . . .

دانشندگان جمهوری اسلامی میخواستند فقط از طریق مذاکره و تعیین هیئت بکار تان رسیدگی کنند تا حالا کرده بودند و یکماه ۶۵ نماینده کارگران را از این دفتر و وزارت خانه به آندفترو وزارت خانه نمیفرستادند ما مخالف مذاکره کارگران با کارفرمایان نیستیم. تا وقتی که نظام سرمایه داری حاکم است، طبقه کارگر در مبارزات خود، تن به مذاکره با کارفرمایان و دولت نخواهد داد دولتی مذاکره با چه پشتوانه ای؟

طبقه کارگر و توده های زحمتکش هیچ خواسته ای را تنها از طریق مذاکره بدست نیاورده و نخواهند آورد. طبقه کارگر و توده های زحمتکش در ایران و سراسر جهان، خواسته های خود را تنها و تنها از طریق مبارزات پرشور و دلورانه خود بدست آورده و خواهند آورد. و حق خود را با زور و قدرت و مبارزه از حلقوم کارفرمایان و دولت حامی آن بیرون کشیده و خواهند کشید. حتی بدست آوردن کوچکترین خواسته های کارگران از طریق مذاکره نیز تنها در پرتو پیرویه پشتوانه یک جنبش مبارزاتی کارگری نیرومند، متشکل و متحد امکان پذیر است و پس . . .

کارفرمایان و دولت حامی آنها، وقتی از طریق مذاکره خواسته های کارگران را بدست نیاورند، حاکمیت کارگران را تحت فشار قرار دهند و به وحشت انداخته و بترسند است که وقتی مذاکره با کارفرمایان و دولت کارگران شکست بخورد و کارگران تنها از طریق مذاکره نتوانند خواسته های برحق خود بدست آورند، آنها را با تمام توان به مبارزه کردن است. (ما در اینجا به خوبی این مبارزه شکنجه ها و شکنجه های آن کاری نداریم) ما، نمایندگان در اطلاعیه خود، به جای دعوت کارگران به مبارزه با حداقل سکوت رسمی کردن در این مورد، کارگران میخواندیم که دست به هیچ گونه مبارزه ای نزندند.

مرو به سمت مبارک از آن عزیزان زحمتکش خود بفرستادیم که متوجه هر چه کت عدالت و عتاق فرصت طلب، کت تلاش دارند با استفاده از این مسئله،

علیه انقلاب تبلیغ کنند، با هوشیاری برخورد کنند و گفته رهبر بزرگان امام خمینی را در نظر داشته . . . که در این شرایط هرگونه تحمّن یا اعتصاب، کسم کاری برای انقلابیان زیان آور و خطرناک است، و از هرگونه اقدامی که در وضع بحرانی کشور منجر به آشوب و اغتشاش شود جداً پرهیز نمایند.

دوران به اجرا در آمدن این گونه فتواها سرآمده است، دیگر اجرای آنها با میل و رغبت و اعتماد از سوی کارگران صورت نمی گیرد. اینک حکومت برای اجرا کردن این فتواها و احکام، به زور تصویب قوانین ضد کارگری و ۳ پاسداران متوسل میشود. شما با این گونه موضع گیریها، باعث خوشحالی هیئت حاکمه و تمام می

شما کارگران دلاور صنعت نفت به آن سابقه قهرمانیها، با آن آگاهی و شعور سیاسی بالا باید اختیار داشتن نیمی از مهمترین مراکز اقتصاد کشور، موظف هستید که با مشکل شدن خود و ایجاد اتحادیه سراسری کارگران صنعت نفت توان نیرو و تشکل طبقه کارگر را تقویت و استحکام بخشید.

نمایندگان، از یک طرف به درستی شکست مذاکرات و بی توجهی مقامات را اعلام میکنند، از طرف دیگر به کارگران میگویند، دست به هیچ گونه مبارزه ای نزند. نمایندگان کارگران نفت با دیدن آنها و به طبقه کارگر و زحمتکشان بگویند که کارگران صنعت نفت چه باید بکنند؟ وقتی که مقامات حکومتی به خواسته های کارگران و نمایندگان آنها جواب رد می دهند و آنها را سر میزدند آیا کارگران چاره ای جز مبارزه کردن دارند؟

کارگران با پیدای قدرت کوبنده و عظیمی که در اتحاد کارگران نفت نهفته است و در مبارزات آنها که به شکلهای مختلفی چون اعتصاب، تحمّن، کم کاری، گروگان گیری، تظاهرات، و غیره، تجلی مادی پیدا میکند، چون سلاح برنده ای بر علیه کارفرما و دولت کمک گرفته و این سلاح را چون شمشیر بالایی سر کارفرما و دولت قرار دهند، و آنها را به وحشت اندازند نه اینکه از این سلاح بر علیه خود کارگران و ترساندن آنها استفاده کنند. نمایندگان قدرت عظیم و کوبنده کارگران را چون شمشیری بالای سر خود کارگران قرار میدهند و کارگران را میترسانند؛ آنها به شیوه تمام می کسانی که تاکنون میخواستند از طریق فتوا جلو حرکت مبارزان را بگیرند و کارگران را بگیرند. و کارگران را در مقابل بل تمام می سیاستهای ضد کارگری حکومت به سکوت و آرامش دعوت نمایند.

شما در شرایطی دانسته یا ندانسته این فتواها را، چاقی برای جلو گیری از مبارزات کارگران کرده اند که دیگر

ضد کارگر شده اند. این گونه موضع گیریهای شماست که حزب توده این خاستن به طبقه کارگر، این چا کرد بزگناه دشمنان طبقه کارگر با وجود سوز و آورد است. این موضع گیریهای شماست که حزب خاشن توده با خوشحالی آنها را " نشانده" آگاهی و هوشیاری طبقاتی " شما " و " وفا - داری کامل شما به انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی "، جا میزند. وظیفه نمایندگان کارگران جلوگیری از مبارزات کارگران و ترساندن آنها نیست بلکه هدایت و سازماندهی و ارتقاء مبارزات کارگران است. نمایندگان کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در پایان اطلاعیه از خود سلب مسئولیت کرده و گفته اند: " کلیتاً نمایندگان تهران را ترک و به حضور ما موریت خود رفته و از هرگونه اقدامی نسبت به پیچان جمعی سلب مسئولیت نمود و در انتظار اقدامات بعدی وزارت نفت در این مورد هستیم. ما میبایست نمایندگان و کارگران صنعت نفت را انتظار چه باید بکشید؟

آیا از روزی که هر سگی را که به ظاهری علیه امپریالیسم بر میزند بر فرق کارگران و خلق حاکم حکومت منتظر میماند، دانست؟

آیا از روزی که با تمام قوانین سرکوت کردن و متخل نمودن شوراهای واقعی برده است به اخراج همه کارکنان و سراسری کارگران مبارزان انقلابی زده است چه انتظاری میتوان داشت؟

آیا از روزی که برای قرار هم

خطاب به...

آوردن امنیت و شرایط مناسب برای کار فرمایان و جیاول گران، سودویژه کارگران را لغو میکنند و لقمه نان کارگران را از دهان آنها میدزدند و به جیب کار فرمایان مفت خور میریزد چه انتظاری میتوان داشت؟

آیا از رژیم می گوید که در حرف می گوید: "همه تفنگها بسوی آمریکا" ولی در عمل تمامی تفنگها و فشنگها و توپها و تانک های خود را به سوی خلق دلاور کرد، کارگران و دهقانان، دکهداران، دانشجویان و نیروهای انقلابی و کمونیست نشانه می رود چه انتظاری میتوان داشت؟

آیا از رژیم می گوید که مدت یکسال است خلق دلاور کرد را با تمام قوا میکوبد، و خانه و کاشانه شان را خراب میکنند و بهترین فرزندان آنها را شهید میکنند چه انتظاری میتوان داشت؟

مسلم است که از چنین رژیمی جز سرکوب و فریب کاری هیچ انتظار دیگری نباید داشت.

آیا نمایندگان با سلب مسئولیت کردن از خود و به انتظار نشستن، دست رژیم و مزدوران آنرا برای سرکوب کارگران صنعت نفت با زرمیگذارند؟ مطمئن باشید که از همان لحظه خروج نمایندگان شورای مرکزی از دفتر رئیس جمهوری، توطئه برای سرکوب کارگران صنعت نفت پی ریزی شده است. شکست مذاکرات بایده معنی بایان یک دور مبارزه و آغاز شکل گیری مبارزات نوین هالی ترکاری گران دلاور صنعت نفت تلقی شود. در اثر ایطی که هم اکنون توده های وسیعی از زحمتکشان در یک مبارزه طبقه ای حاد مورد سرکوب قرار گرفته اند و خود را برای مبارزه همه جانبه ترو عالی تری آماده می سازند، کارگران دلاور صنعت نفت و نمایندگان آنها نباید نومید شوند، دست از مبارزه بشویند و به انتظار بنشینند.

ضرورت ایجاد اتحادیه سراسری کارگران صنعت نفت

موضع نمایندگان، علیرغم تمامی انتقاداتی که بر آن وارد است، حیاسوی درک یک ضرورت بسیار مهم، برای کارگران صنعت نفت و طبقه کارگر میهن ما است.

طبقه کارگر و توده های زحمتکش هیچ خواستهای راتنها از طریق مذاکره بدست نیامده و نخواهد آورد. طبقه کارگر و توده های زحمتکش در ایران و سر- اسرجهان، خواسته های خود را تنها و تنها از طریق مبارزات دلاورانه خود بدست آورد و خواهد آورد. و حتی خود را با زور قدرت و مبارزه از حلقم کارفرمایان و دولت حامی آنها بیرون کشیده و خواهند کشید.

هستید که با متشکل شدن خود و ایجاد "اتحادیه سراسری کارگران صنعت نفت" توان و نیرو و متشکل طبقه کارگر را تقویت و استحکام بخشید.

اگرچه رژیم حاکم تحمل وجود "اتحادیه های کارگری انقلابی و مبارز" را ندارد، ولی شما کارگران قهرمان صنعت نفت، قدرت ایجاد چنین اتحادیه ای را دارید و باید برای تشکیل آن مبارزه کنید.

نمایندگان بدرستی در اطلاعیه گفته اند: "کارگران عزیز را متوجه می سازیم که ضعف کارما، فقدان سازماندهی، متشکل کاری، اتحادیه ها، سندیکاها و شوراهای است که ضرورت دارد چه از نظر حفظ انقلاب و چه از نظر تامین منافع حرفه ای خود، به آن توجه عاجل و فوری مبذول داریم".

بیان این مطلب، از طرف نمایندگان نشان میدهد که با تمام موضع گیریها انحرافی و سازشکارانه ای که در اطلاعیه منعکس شده است، آنها در فکر منافع کوتاه مدت و بلندمدت کارگران صنعت نفت و طبقه کارگر هستند و ضرورت ایجاد تشکیلات اتحادیه ای قدرتمند کارگری را به خوبی درک کرده اند.

کارگران دلاور صنعت نفت و مبارزان پتروشیمی! شما باید با ایجاد "اتحادیه سراسری کارگران صنعت نفت"، در جهت توان بخشیدن به جنبش کارگری و انقلابی ایران بکوشید.

شما، با ایجاد "اتحادیه سراسری" تنها باید در جهت منافع خود، بلکه برای تقویت و متشکل کردن کل طبقه کارگر ایران بکوشید.

شما کارگران دلاور صنعت نفت، با آن سابقه قهرمانیها، با آن آگاهیه و شعور سیاسی بالا، با در اختیار داشتن نبض یکی از مهمترین مراکز اقتصاد کشور، موظف

رزه کنید.

کارگران مبارز صنعت نفت، مبارزان پتروشیمی! در شرایط کنونی جامعه ما، مبارزات طبقه کارگر و بخصوص شما، کارگران دلاور صنعت نفت نقش برجسته ای، در پیشبرد جنبش انقلابی خلق ما دارد.

طبقه کارگر ایران، باید از مبارزات خلق ماود را بر آن، مبارزات خلق دلاور کرد حمایت و پشتیبانی کند و در بر داشتن باور سنگین جنگ تحمیلی رژیم که یکسال است بردوش زحمتکشان گرد ستان سنگینی میکند، به آنها یاری دهد.

طبقه کارگر و شما به عنوان بخش قدرتمندی از آن، باید از مبارزات دهقانان زحمتکش - این متحدین طبقه کارگر - علیه زمین داران و حامیان حکومتی آنها حمایت و پشتیبانی نماید.

طبقه کارگر و شما به عنوان بخش قدرتمندی از آن، باید از مبارزات دلاور داران و سایر زحمتکشان شهری فعالانسه حمایت و پشتیبانی نماید.

آری! تاریخ، وظایف بس سنگینی بردوش طبقه کارگر ایران و شما کارگران دلاور صنعت نفت به عنوان بخشی از آن نهاد است. تنها در پرتو، انجام این وظایف است که طبقه کارگر و زحمتکشان ما خواهند توانست، برای درهم کوبیدن نظام ظالمانه سرمایه داری و برقراری حکومت انقلابی خود، آماده گردند.

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

به امید پیروزی کارگران و زحمتکشان!



کارگران در حمایت از هم‌زمان اخراجی خود

کارخانه سیمان ری: کارخانه ایرپرسلان رشت:

بدنبال اخراج ۴ تن از کارگران مبارز کارخانه ایرپرسلان رشت به اتهام اخلال در امر تولید و تحریک کارگران روز شنبه ۱ شهریور کارگران بعنوان حمایت از رفقای اخراجی خود که بعضی از آنها عضو شورا نیز بودند دست به اعتصاب میزنند و خواهان برگشتن هم‌زمان خویش می‌شوند. تلاش مدیرعامل و اعضاء کمیته پاکسازی برای فریب دادن کارگران و ادار کردن آنها به جایی نمیرسد.

ساعت ۲ بعد از ظهر با آمدن کارگران شیفت بعد از ظهر که در حمایت از نما بندگان محکم تر بودند، تشکل و مبارزه کارگران جان تازه‌ای میگیرد. مجمع عمومی با شرکت همه کارگران تشکیل میگردد و لی نتیجه‌ای گرفته نمیشود. در این روز، روحیه مبارزاتی کارگران خوب بوده و به جزه انفر، بقیه در اعتصاب شرکت میکنند روز یکشنبه ۲ شهریور: در اثر ضعف سازماندهی و نبودن رهبری انقلابی و محدودیت در تزلزلاتی در میان کارگران شیفت صبح مشاهده میشود. اما شیفت بعد از ظهر همچنان محکم و استوار و یکپارچه به مبارزه ادامه میدهند. در این روز مدیر بیت بخشنامه‌ای صادر میکنند مبنی بر اینکه فردا باید کار شروع شود و در غیر این صورت حقوق و غذا و سرویس قطع خواهد شد. کارگران تصمیم میگیرند که فردا صبح بدون استثناء در کارخانه حاضر شوند تا تصمیم گیری نمایند.

دوشنبه ۳ شهریور: کارگران، کمیته ای ۱۴ نفره از نمایندگان قسمتهای مختلف تشکیل میدهند تا درباره ادامه مبارزه تصمیم گیری کنند. بقیه در صفحه ۱۰

در پی درگیری میان کارگران کارگاه سیمان ری با سرمهندس کارگاه که باعث اخراج ۵ تن از کارگران شد، اینک مبارزات کارگران ادامه پیدا کرده است. کارگران کارگاه سیمان ری (که یکی از کارگاههای صنایع فلزی ایران است) پس از مرخصی سالانه در ماه رمضان، هنگام بازگشت به کارخانه متوجه میشوند که با همکاری مدیرعامل صنایع فلزی (ملیک محمدی) و سرمهندس کارگاه سیمان ری (مهندس منتظر) حکم اخراج ۵ تن از کارگران صادر شده است. این واقعه کارگران را خشمگین کرده و به کمک شورای کارخانه دست به حمایت از کارگران اخراجی میزنند. کارفرما که اتحادی با کارگران را میبیند، به "شورای پاکسازی سازمان گسترش" مراجعه کرده و از آنها میخواهد که شراکت کارگران را از سر و کم کنند. نماینده سازمان گسترش در پی دستورالریاب خود بسرعت دست بکار میشود تا برای اخراج کارگران "پرونده سازی" های لازم را انجام دهد. کارگران به این عمل اعتراض میکنند و از او میخواهند که با شورای آنها صحبت کند. اما تا مبرده میگردند با بخشنامه اخبر دولت تمام این شوراها - بقبول بنی صدرت مالیده اند. شورای کارخانه پس از شنیدن این حرف تصمیم خود را میگیرد و از کارگران اخراجی میخواهد که به سرکارها ایشان برگردند و کارگران نیز چنین میکنند.

فردای آتروز (دوشنبه ۲۷ مرداد) مهندس کارگاه نامه‌ای مینویسد و به کارگران اخراجی دستور میدهد که به صنایع فلزی ایران مراجعه کرده و تکلیف خود را با مدیرعامل روشن کنند. اما اخراجی‌ها به کوه استواری چون کارگران سیمان رشت، راند و بهمین دلیل کماکان بر سر کار نمی‌مانند. روز سه‌شنبه کارگران به شورا خودشان مشغول نوشتن نامه‌ای به مدیرعامل و در حمایت از شورای کارخانه میشوند. تا ماه سرعت بوسیله کارگران اعضاء میشود و ظهر همه جمع میشوند تا تکلیف خود را با آنها بکسره کنند. مهندس منتظر که با فساد و شک میبندد بلافاصله به "کمیته" تلفن میزند تا با مدیرعامل مسلح به کمک بیاید. ظهر کارگران در نامه‌ها خوری اجتماع میکنند و نمایان مهندس منتظر "میفرستند" مهندس دوم مور مسلح را پشت در می‌کشند و خود را در نامه‌ها رخوری میشود. او ابتدا چند دقیقه‌ای بالحن آرام صحبت میکند اما پیش از اینکه بتواند بازهم ننه من غریبم در بیاورد، با شورش و عداوتی فریاد حق طلبانه یکی از کارگران اخراجی به گوشه‌ای میخیزد. کارگر اخراجی سخنرانی پرشوری میکند و شعله‌های خشم کارگران را بر میافروزد. سرمهندس، ترسان از این خشم کارگران فرار کرده و جایش را به پاسداران مسلح میدهد. پاسدار مسلحی که وارد اجتماع کارگران شده است بسرعت درمی‌یابد که با چه انبار باروتی طرف است. او بسرعت "جا" میزند و ادعا میکند که "کارگزار انقلابی نمیشود". و وقتی یکی از کارگران اخراجی سینه‌اش را سیر میکند و میگوید "داری من صدا بقلایم و از گلوله‌های شما هم ترسی ندارم" پاسدار خود را می‌بازد و بسرعت میگریزد.

● برای نابودی سرمایه‌داران صلوات!

کارگران که دشمنان خود را فراری میبینند، همچنان در نامه‌ها رخوری میمانند و صورتجلسه‌ای تنظیم میکنند و در طی آن به اعمال ضد کارگری کارفرما - که چندین ماه است تکرار میشود - اعتراض کرده و خواستار بازگرداندن کارگران اخراجی و نیز اخراج سرمهندس کارگاه میشوند. یکی از کارگران، تلفنی، وقایع و جریان آمدن پاسداران را به کارگاه سیمان ری را به شورای کارخانه صنایع فلزی اطلاع میدهد. جریان این صحبت تلفنی از بلندگوهای کارگاههای شماره یک و ۲ صنایع فلزی پخش میشود و فریاد اعتراض کارگران در کارخانه‌ها آسمان میرساند. کارگران دو کارخانه دست از کار میکشند و مادگی خود را برای، اهیما می بقیه در صفحه ۴

با اتحاد و مبارزه توطئه اخراج کارگران را خنثی کنیم!

بقیه از صفحه ۱

۱۷ شهریور . .

دیگر و روز دیگر، قم، تبریز، کازرون، جهرم و . . . صحنه پر شورترین و جانبازانانه ترین مبارزات است اما مبارزه هنوز سمست و سوی خود را نیافتاده بود. شعارها از یکدستی کامل برخوردار نبود و در رویی پراکنده و محدود بود. اما ۱۷ شهریور نقطه عطفی در مبارزه ۲ ساله خلقهای قهرمان ما بود. روزی که شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به شعار "مرگ پادشاه" تبدیل شد و تا مرگ و نابودی شاه نیز شعار توده ها باقی ماند. از ۱۷ شهریور به بعد رژیم شاه خائنینک روز خوش و راحت ندید و یک روز نبود که خیر از اعتصابات و درگیری های خیابانی در سرتاسر ایران به گوش نرسد.

موج اعتصابات کارگری و کارمندی سراسر ایران را فرا گرفت و در پیشاپیش آن کارگران صنعت نفت که با شعار "کارگر نفت ما مبارز دلیر و سر سخت ما" بدرقه میشدند قرار گرفتند. دیگر نه حکومت

نظامی از هاری و نه ۱۳۴ بان ها و نه ۸ بهمن ها هیچک نمیتوانست خللی در آزاده خلق بدید آورد.

حما سه ۱۷ شهریور سرخ، تنها حماسه ۶ شهادت هزاران نفر از مردم قهرمان ما نبود، حماسه ۱۷ شهریور در راه سرخ خودبسته توده های قهرمان ما نشان داد که "ارتش برادر ما نیست"، "ارتش دشمن ما ست" و علیرغم جانبازی بسیاری از سربازان ارتش که در آن روز نیز حاضر به شلیک به توده ها نشدند، ارتش ضد خلقی است و تا مده است تا با توپ و تفنگ خود و بجز برای حکومت را با بشو دهها هزار تن را به خاک و خون بکشد. حماسه ۱۷ شهریور به توده ها آموخت که با ارتش مسلح و ضد خلقی باید مسلحانه روبرو شود و گلوله را با گلوله پاسخ گفت اما رهبران انقلاب نه بعد از

۱۷ شهریور بلکه بعد از ۱۴ آبان بعد از ۸ بهمن و بعد از بسیاری روزهای خونین دیگر، در حالیکه توده ها فریاد میزدند "رهبران ما را مسلح کنید"، "جهاد و جنگ را به آئینده حواله میدادند و با زهم میگفتند "ارتش برادر ما ست" آری ارتش

برادر آنها نمیتوانست باشد، اما برادر کارگران و زحمتکشان نه! و دیدیم کینه چنین نیز شد. اکنون ارتش یا ورونگهدار حکومت جمهوری اسلامی و رهبران انقلاب است و با زهم دشمن کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران! حماسه ۱۷ شهریور به توده ها تجارب بسیار آموخت و به آنان نشان داد که انقلاب بنیادین متوقف گردد. توقف انقلاب یعنی حفظ وضع موجود و حفظ آنچه چیزی که انقلاب در اساس برای ما بودی آن شروع شده بود. سازش رهبران و خیانت آنها به توده ها نشان داد که توقف انقلاب یعنی باقی ماندن استثمار و ستم و ظلمی که توده ها برای ما بودی آن بیخاسته بودند.

امروز بعد از ۱۸ ماه تسلط حکومت جمهوری اسلامی این درسها نیست. از پیش برای ما اثبات میشوند. درسهایی که توده ها در مبارزات پی گیر خود در راه ما بودی نظام سرمایه داری و بنیادین است. استعمار و ظلم و ستم بکارخواهند گرفت. زنده و جاوید با دنیا دشمنای ۱۷ شهریور *

مبارزه و آگاهی توده ها پشتوانه فعالیت نیروهای انقلابی

شدن مردم از رژیم آنقدر افزایش یافته که حکومت نمیتواند منتظر مجلس قاننون گذار خود نباشد. و به همین علت موج تعطیل و ممنوعیت فعالیت نیروهای سیاسی شهر به شهر توسط "قاننونگذاران محلی" پیاپی می شود. بعد از ممنوعیت فعالیت گروههای سیاسی در خرمشهر و آبان و دیماه، اینک فعالیتها را تا تپهای پیکار، مجاهدین خلق، فدائیان و جنبی حزب خائن توده که مداح و کاسه لیسین رژیم جمهوری اسلامی میباشد نیز در گران ممنوع شده است. بشتوانه فعالیت گروههای سیاسی و انقلابی و کمونیست مبارزه توده ها بوده و هست. حمایت آنان از دهکده داران دانشجویان فعال در محلات و فروشندگان نشریات انقلابی و کمونیستی که وحشت براندام رژیم و پادشاهانش میاندارد خودمشت محکمی است بر دهان رژیم و تمام قوانین فزردمی و ضد موکراتیکش. گروههای سیاسی انقلابی و کمونیستی نه در زمان شاه خائن و نه در رژیم جمهوری اسلامی هیچگاه به بشتوانه توانیست دولت های سرمایه داری فعالیت نکرده و نخواهند کرد. بشتوانه فعالیت کمونیست ها و انقلابیون تنها و تنها قدرت و آگاهی و شکل توده ها ست *

به دنبال افزایش فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست و افزایش نفوذ این نیروها در میان مردم، وحشت رژیم نیز روز به روز افزایش میابد و هر روز با عجله و شتاب بیشتری دستاوردهای قیام را که آزادی فعالیت سیاسی و نشر عقاید بوده است با زیس میکیرد. رژیم جمهوری اسلامی در پی محکم کردن حکومت خود روز به روز بیشتر در می یابد که نمیتوان هم سرمایه داری وابسته را حفظ کرد و هم آزادی را در جا معه تحمل نمود و فعالیت گروههای سیاسی را آزاد گذارد. این مسئله از همان ابتدای بعد از قیام هم عیان شده بود، آن زمان نیروهای نا آگاه و متوهم را تحت رهبری مزدوران و حزب اللهی های خودبسته جان نیروهای انقلابی و کارگران و زحمتکشان آگاه و مومنا رزمیا فکندند و امروز که توده ها توهم و اعتمادشان را تا حد زیادی نسبت به آنان از دست داده اند، از طریق پادشاهان و مزدوران موتورسوار و جاقوکش و جماعت قوانین بورژوازی از فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست جلو میکیرند. اما بسط فعالیت نیروهای انقلابی و رشد نفوذ آنان در میان توده ها و وکننده

دستور حاکم شرع و تا تعیین تکلیف از سوی مجلس
دفاتر گروههای سیاسی در بابل
تعطیل شد

از سوی دادسرای انقلاب اسلامی
آبادان و خرمشهر:

**فعالیت مجاهدین خلق
فدائیان خلق، پیکار و
حزب توده در آبادان
و خرمشهر ممنوع
اعلام شد**

فعالیت گروه سیاسی در گرگان ممنوع شد
باری - خبرگزاری پارس:
دادستان انقلاب اسلامی گرگان
فعالیت مجاهدین خلق، فدائیان
خلق، پیکار و حزب توده را تا
تعیین تکلیف آنها از سوی مجلس
ممنوع اعلام کرد.
در این اعلامیه به پادشاهان
قوانین انقلابی مخالف به جمهوری
مسنود دادستانی این دادسرای

ما برای فعالیت خود فقط به حمایت مردم متکی هستیم
نه قوانین ارتجاعی!

بقیاز صفحه ۱

دیگر چنین فاجعه هولناکی دوباره تکرار نگردد...

این روزها، که طبقه کارگر و تمام زحمتکشان ایران، لحظات پرمخاطره‌ای را میگذرانند، و در میان دودناقلاب غالب و مغلوب، به پیچیده‌ترین و هوشمندانه‌ترین شیوه‌های مبارزه نیاز دارند، ارزیابی مجدد تجربه خونبار کارگران شیلی، در آستانه هشتادمین سال اسارت دوباره خود، میتواند مضمین نکات ارزنده‌ای باشد.

بورژوازی در لباس میش

"شیلی اکنون نخستین ملت درجهان است که نوع دومی از غذا ربه جا معینه" سوسیالیستی را در خود تجسم بخشیده است" برزیدنت آئنده با این کلمات حکومتی را در سال ۱۹۷۰ آغاز کرد، که سه سال بعد بوسیله کودتایی خونین سرنگون شد و تئورهای خیالنافانه اوربیر-ای یافتن راه حل جدیدی که با پیوند بورژوازی را از قدرت پائین آورده و طبقه کارگر را به سوسیالیزم برساند، بیگور سپرد.

او که نماینده "اتحاد ملی" و رهبر ائتلاف سه حزب سوسیال دمکرات، سوسیالیست و حزب رویزیونیست های طرفدار شوروی بود، درحالیکه بر سر راه حیل بحران شیلی میان طبقه کارم، اختلاف نظر بروز کرده بود، تنها با ۳۶٪ آراء به پیروزی رسید و رئیس جمهور شد. اما طبقه بورژوازی در شیلی - همچون تمام سرمایه داران جهان - کسی نبود که از راهی با صلاح دمکراتیک، قدرت را تقدیم این خیالنافان کند. کنگره شیلیسی - این مجمع پر قدرت سرمایه داران می بايست انتخاب وی را تا شید کند و بنا بر این سرعت مصالحه ای صورت گرفت. به آئنده اجازه دادند قدرت را بدست گیرد بشرطیکه به ترکیب ارتش و سازمان فرهنگی و کلیسا و سایر موسسات مربوط به قدرت بورژوازی دست نزنند. و این انساندوست طرفدار طبقه کارگر (برای تحقق تئوریهایش به تمام این شرطها گردن گذاشت!

اما در کشوری که آئنده رئیس جمهور شده بود، با معادن مسی که ۹۰٪ درآمد ارزی آنرا تامین میکرد، و تحت سلطه کامل شرکت های امپریالیستی قرار داشت، اینک میبایست شعارهای انتخابی "اتحاد ملی" به مرحله اجرا درآید؛ یعنی کردن بخش های اساسی اقتصاد (معادن مس، بانک ها و کمپانی های بزرگ) بایلابردن سطح دستمزدها بکارگرفتن تمام ظرفیت صنایع شیلی و سرانجام استفاده از منافع حاصل از مس در سرمایه داری مجدد صنعتی آری، برنامهای که میبایست اقتصاد شیلی را



بسی سوسیالیزم رهبری کند، نه فقط کمترین توجهی به دوباره سازی مجدد اقتصاد شیلی بر اساس نیازهای اجتماعی نکرد، بلکه کمترین اقدامی نیز که هدف آن قرارداد قدرت اقتصادی در دست تولیدکنندگان مستقیم باشد در آن انجام نگرفت. و چنین بود که یک برنامه سرمایه دارانه توسعه اقتصادی، به چنین شعارهای زیبا و پرطمطراقی آراسته گشت، و عده های واقعی آئنده عبارت بودند از قدرت خرید بیشتر برای طبقه کارگر، حمله به کمپانیها و انحصارات خارجی و نیاز کردن فضای بیشتر برای سرمایه های داخلی. و این برنامه ای است که بوسیله رویزیونیست ها در سارجهان به عنوان یک برنامه انقلابی قلمداد و توحسین میشد، و آنرا بقول آئنده، آغاز سوسیالیزم بدون تلفات اجتماعی "مینا میدند" اما این آغاز خوش دیری نپائید و علائم بحران سرمایه داری دوباره ظاهر شد. جناح های مختلف بورژوازی که اختلافاتشان یکی از عوامل پیروزی آئنده شده بود، به سازش دست یافتند و بر ای سقوط دولت آئنده دست بکار شدند. در حالیکه دولت آئنده نیز تمام نیروهای مورد نیاز آنان (دستگاه دولتی و نیروی نظامی) را دست نخورده باقی گذاشت.

تا اواسط سال ۱۹۷۲، بحران تمام بخش های اقتصاد شیلی را فلج نموده و سیاست دولت دچار نا بسامانی شد. زیرا کنگره که تحت تسلط بورژوازی قرار داشت، قوانین پیشنهادهای دولت "اتحاد ملی" را نمی پذیرفت و قسوه قضائیه نیز از تأیید تصمیمات دولت سرپیچی میکرد. در زمینه های مختلف اقتصادی بشدت کمبود وجود داشت. زیرا سرمایه داران داخلی از یک طرف

کالاهای ضروری را احتکار میکردند و از طرف دیگر هواداران خود را برای اعتراض جمعی علیه بحران بسیج مینمودند. و بعلاوه محاصره اقتصادی از جانب امپریالیسم آمریکا خزانه ملی، عملاً از رزخارجی تهی شده بود.

در اکتبر سال ۷۲ طبقه بورژوازی اولین تعرض خود را آغاز کرد. به این معنی که مغازه داران، کامیونداران، ما حیان جرف و صنایع دست به اعتصاب زدند. اعتصاب بخصوص امر توزیع را فلج کرد. کارگران که حکومت را از خود میدانستند، بسرعت دست بکار شدند تا اعتصاب را در نطفه خفه کنند. آنها میخواستند مغازه ها را باز کرده، کامیون ها را رها نما دره کرده و کارخانجات را تصاحب کنند. اما آئنده و حزب رویزیونیست شیلی که میخواستند راه حل های "ویژه" خود را ارائه دهند و حقا نیت تئوریهای سازشکارانه خود را ثابت کنند، بشدت در مقابل خواست کارگران ایستادگی کردند و در عوض، چند روزی پس از شروع اعتصاب کامیونداران، سیزده ایالست اصلی کشور تحت حالت اضطراری قرار گرفتند و به این ترتیب زیر کنترل مستقیم نظامیان جنایتکاری درآمدند که سه سال بعد با یک کودتا، دست به گشتار وسیع کارگران و زحمتکشان زدند.

همزمان با چنین اقداماتی، دولت کارگران را از شرکت در مبارزات سیاسی باز میداشت و آنها را تشویق مینمود که سهم آنها در خاتمه دادن به اعتصاب کامیونداران اینست که "مبارزه برای تولید بیشتر" را سازمان دهند!

نتیجه بلافاصله چنین سیاستی، محمور کردن کارگران در کارخانجات

مسلح شدن کارگران و زحمتکشان تنها راه مقابله با کودتا است!

بیت رزمندگان

مردم در اطراف کاخ ریاست جمهوری جمع شدند، آئینده آنها را و ادا زکود که بر ای فرماندهان ارتش و نیروی دریایی - این طراحان آئینده کودتا - کشف بزنند، و چنین شد که ارتش کارکنان را کودتای واقعی و پیروز متذکر بود را آغاز کرد و پیروز و آزادی این امکان را برای خود حفظ کرد که نه فقط زمان و شرایط مورد قبول خود را در تمام این سه سال تحمیل کند، بلکه زمان بیکار آنها بی و قطعی را نیز خودش معین نماید!

"ال تینت" بود. معدنچیان مس و کاکاز - ان معادن ذغال سنگ، از ترک - یافته ترین کارگران شیلی هستند. در ماه سپتامبر ۱۹۷۰ آئینده بالاترین درصد آراء انتخاباتی خود را از همین مناطق بدست آورد. بطوریکه در سه مرکز اصلی معادن مس، که یکی از آنها "ال تینت" بود، بیش از ۶۰ تا ۸۰ درصد آراء متعلق به آئینده بود، در حالیکه در سطح ملی تنها موفق به کسب ۲۳٪ آراء شده بود. در جریان اعتماد باخیر، آئینده دورا در پیش داشت،

کودتای شیلی

و شرکت فعالانه، نظامیان جلا در کار بینه و در عرصه سیاسی شد. این امر بنا به پیگیری و چشمگیری برای سرمایه داران - ان ضد انقلابی بود. ولی حکومت آئینده و "اتحاد ملی" سعی بر آن داشتند که آراء در نظر رتوده ها بصورت پیروزی مهمی برای خود مردم در بدست آوردن پشتیبانی نظامیان قلمداد کنند!

آری، آئینده و دارو دسته اش، تمام حواس خود را متوجه انتخاب آئینده کرده بودند. در کار بینه، آنها از یک طرف کارگران را از صحنه مبارزه خارج میکردند و از طرف دیگر با وارد کردن ژنرالهای جتینکا به خیال خود میخواستند آنها را بی خطر کنند.

در این میان کارگران هوا دار اتحاد ملی (عمدتا هوا داران حزب روبریو - نیست شیلی و غیره...) از کارگران دیگر مصرا نه میخواستند که برای مقابله با امپریالیسم تولید را بالا ببرند. اوسیا ست و مبارزه برای کسب قدرت را بینه

"نمایندگان" خود در پارلمان بسیارند! از این رو، در حالیکه پیروز و آزادی، که در مورد دولت و چگونگی مبارزه برای کسب کامل قدرت سیاسی خود، کمترین توهمی نداشت، خود را برای مبارزه آماده میکرد و نیروهای خود را سازمان میداد، کارگران - ان در مقابل سیاست های سازشکارانه ای که از جانب رهبران نشان بر آنها تحمیل میشد، سردرگم بودند و خود را با بالابردن تولید سرگرم میکردند.

"اتحاد ملی"، استراتژی سیاسی خود را بر پایه انتخابات بنا کرده بود و معتقد بود که در صورتیکه ائتلافشان اکثریت پارلمانی را بدست آورد، آنها به "قدرت" خواهند رسید.

پیروزی انتخابات ماه مارس ۱۹۷۳ فرصت جدیدی بود که یکبار دیگر بلاهت شکاری های سازشکارانه آئینده را بینه شیوت برساند. پس از پیروزی در انتخابات، کارگران که در نبود آوردن این موفقیت نقش درجه اولی داشتند، سر مست از این پیروزی، یکبار دیگر دست به تعرض زدند و ما هیت ضد سرمایه داری خود را بر ملا کردند و تقاضای کارگران برای ملی کردن هر چه بیشتر صنایع اوج تازه ای گرفت. در حالیکه گسترش هر چه بیشتر تورم چهره کریمه سرمایه داری را بینه نمایش داده بود، کارگران بار دیگر متوجه شدند که قدرت خریدشان به سالهای هفتاد تنزل است. از این رو اعتماد باخیر، اشغال و تصرف کارخانه ها با شدت روز افزونی ادامه یافت.

"اتحاد ملی" روش بسیار خصمانه ای را قبل اعتماد باخیر بخود گرفت. مبارزه "مجموعات برعلیه مسائل اقتصادی" عفو شد و گاهی با اشکال مستقیمی از عوب توده ها همراه بود. کار بینه - اتحاد ملی "وزنرالها" در هر کجا که ان داشتند کارخانجاتی را که در طی اکثریت بوسیله کارگران تصاحب بودند، به صاحبان اصلی شان برگرداند. در این مورد سیرده کارخانه الکتریک آمریکا نمونه خوبی است. در همین زمان، اتفاق بسیار و پیشرینی رخ داد و آن، اعتماد معدنچیان

در طی یک ماه پیش از کودتا، آئینده و یارانش از سیخ کارگران جلوگیری کردند و از ترس از دست دادن کنترل اوضاع سلاح های خود را در سرداب ها و زیرزمینها مخفی کردند و زمانی که کارزار گذشت از کارگران دعوت کردند که با دست خالی به جنگ توپ و تانک و مسلسل بروند. با اینحال، کارگران حتی با دست خالی نیز جانبازی های قهرمانانه ای کردند. آنها با دستهای خالی در مقابل یک ارتش مدرن به مقاومت برخاستند و طیرم نداشتن یک سازمان منظم، تا چند روز بعد از کودتا با دلآوری بی نظیری من جنگیدند.

کسیکه از توده ها بترسد، پناهگاهی جز آغوش پیروز و آزادی ندارد

از روز ۲۹ ژوئن بعد "اتحاد ملی" متوجه شد که تنها نقطه امیدش برای ماندن بر سر قدرت کسب موافقت حزب دموکرات مسیحی این حزب سرمایه داران را لومفت بود. آری آئینده از ترس کودتا به کودتا چنان متوسل شد، و برای اینکار بهترین شیوه، توجه المصلحه قناری دادن کارگران بود. در تمام کارخانجات ملی شده، مدیران دولتی، کارتابند را متوقف کردند و کارگران برای رویا - رویی با "آخرین کودتای نظامی" شروع به تهیه مهمات جنگی و ساختن سلاح کردند. "اتحاد ملی" از این کار همدی جز ترس - نیدن حزب دموکرات مسیحی و ادا کردن آن به قبول قرارداد ای با "اتحاد ملی" نداشت. دلیل واضح این امر، دستکار خالی طبقه کارگر شیلی در روزهای پس از کودتا است.

در مارس ۷۲، آئینده حتی تقاضای مقدار زیادی مهمات و اسلحه نمود. اما بجای اینکه این اسلحه میان کارگران توزیع گردد، روبری از کودتا، در زیر زمین کاخ ریاست جمهوری و منزل شخصی آئینده پیدا شد. در همین زمان، رهبران حزب روبریو است شیلی هم در اجرای همین نمایش سرودهای زیادی راه انداخت و با پیش کشیدن مسئله "جنگ داخلی" کوشید تا حزب دموکرات مسیحی را بترساند. ندوبه مصالحه ادا رد، اما هغه نمیتوانستند بفهمند که این ها بپوی روبریو نیست ها حیلای بیش نیست، زیرا بدون توده های مسلح چگونه میشود از جنگ داخلی صحبت کرد؟

آئینده، روز ۲۵ ژوئیه در یک سخنرانی برای نمایندگان کنگره و احکار کارگران نیات ضد کارگری خود را بر ملا میسازد. او

با حمایت از درخواست کارگران و با پشت کردن به آنها، و آئینده راه دوم را برگزید! پنج روز پس از اعتماد، حزب روبریو - نیست شیلی و حزب سوسیالیست به اعضای خود در معدن دستور دادند که به سرکار باز گردند. آنگاه "اتحاد ملی" مبارزه کثیفی را علیه معدنچیان مس و جدا کردن آنها از سایر کارگران شروع کرد و آنها را "کارگر شرافتی" نامید و کوشید بقیه کارگر - ان را بر علیه آنها بسیج کند. اما معدنچیان قهرمان تسلیم نشدند. سببی روز پس از آغاز اعتماد، سرانجام پیروز و آزادی یکبار آفتاد که از این اوضاع رها کاران بینه بهره برداری کنند و از این رو، از اعتماد پشتیبانی کرد.

در ماه ژوئن، معدنچیان "ال تینت" به سوی سانتیاگو راه افتادند تا تقاضای ملاقات و گفتگویی را با آئینده ببنمایند. اما حکومت دیگر حسا بپیش را کرده بود! پلیس ضد اغتشاش با کارگران روبرو شد و با شدت هر چه متراش آنها را سرکوب کرد. در همین روزها بود که کودتای نافرجام ۲۹ ژوئن انجام گرفت. کودتایی که پیروز و آزادی تمایل زیادی به آن نداشت و گروههای راست افراطی حمایتش میکردند.

درست هنگامیکه معدنچیان "ال تینت" بطرز وحشیانه ای به خاطر درخواست افزایش دستمزدها سرکوب میشدند آئینده پیشنهاد عاجلی را تقدیم کنگره نمود که بموجب آن حقوق نیروهای مسلح به نحو بسیار زیادی افزایش مییافت. در واقع آئینده امیدوار بود که با این سیاست زیرکانه (۱) حمایت نیروهای مسلح را جلب نماید.

اما سازشکاری به همین جا ختم نشد. آئینده درست با نزده دقیقه پس از کودتای نافرجام و پس از تماس با فرماندهی نیروهای مسلح، دعوت قبلی خود را منسوخ کرد و بیکار کارگران به خیابانها بریزند و با دست خالی کودتا را سرکوب کنند، پس گرفت و اظهار داشت که کارگران با یک "نسبت به روح میهن پرستی نیروهای مسلح ایمان داشته باشند" غروب همان روز، وقتی توده های

کودتای شیلی ...

در این سخنرانی اعلام میکند که مقصد جلوگیری از جنگ داخلی با حزب دموکرات مسیحی وارد مذاکره شده است. آئینده درست چهل و پنج روز پیش از کودتا، هنوز معتقد است که مشکلات اساسی کشور ناشی از تقاضای زیاد از جدکارگسران برای از دنیا دستمزدها (۱۰) و نیز تملیات آنها

بخود میگیرد. آئینده پس از شنیدن این اخبار، طی یک پیام رادیویی بسادگی اعلام میکند که "دروا لیا رزو مشکلاتی بروز کرده است". در این پیام از مردم خواسته میشود که خونسردی خود را حفظ کنند و "منتظر عکس العمل سربازان میهن پرست باشند". اینبار حتی از کارگران خواسته نمیشود که کارخانه ها را اشغال کنند بلکه برعکس از آنسان درخواست میشود که "اجازه ندهند قتل

دربندان داشته، توده هایی که به یوا اعتماد کرده بودند، توده هایی که به حال خود رها شده بودند، او هیچ گاه همدوش و دست در دست کارگران و زحمتکشان به مبارزه برخاست، بلکه تا آخرین لحظه زندگی خود، آنها را به خاطر "مصلحت گرایبی اقتصادی"، "چپ گرایی افراطی" و "تجزیه طلب بودن" بباد حمله میگرفت. بسا وجود این، همین کارگران بودند که تلاش جانبا زانه ای کردند و خواستند دولت آئینده را نجات دهند.

آئینده، درست چهل و پنج روز پیش از کودتا، هنوز معتقد است که مشکلات اساسی کشور ناشی از تقاضای زیاد از جدکارگران برای از دنیا دستمزدها (۱۰) و نیز تملیات آنها برای دخالت در تصرف و کنترل کارخانه است.

در این سخنرانی او افکار بیمارش را برای کارگران شرح میدهد و سیاست سخت و شدید را در مورد دستمزدها اعلام میکند. علاوه بر اینها او از اقدامات ارتش برای خلع سلاح مردم حمایت میکند و رعایت "قانون کنترل اسلحه" را به کارگران توصیه مینماید. او در این سخنرانی همچنین آخرین پرده های حجب و حیا را دریده و اعلام میکند که "نهضت انقلابی چپ" به احتمال زیاد با "سیا" همکاری میکند. آری او در کنار دیگر یاراناش، رویزیونیست ها، سوسیالیست ها و یوزو ها، دیگر، آخربین پیوندهایش را با طبقه کارگر میبرد و آب پاکی بزوی دست نشان میریزد.

عام شوند. "پس از این نطق "قهرمان" پوشالی مطالبی معمول کوشش میکند تا مشکلات را از طریق مذاکره حل نماید. او فرماندهان ارتش را به کاخ خود دعوت میکند، اما هیچ کدام در جلسه حاضر نمیشوند. لحظاتی بعد خبر میرسد که کاخ ریاست جمهوری هدف بمباران کودتای هاست. از این لحظه به بعد مقاومت این "قهرمان" پوشالی و دارودسته اش برای مقابله با نظامیان، صحنه هایی را بوجود میآورد که بعدها داستانهای شاعرانه ای از آن ساخته شده است. در این میان، رویزیونیست ها در مسابقه ای با تمام لیبرال های رقیق القلب جهان، همواره برنرسیده، این مسابقه بوده اند.

در طی یک ماه پیش از کودتا، آئینده و یاراناش، از بسیج کارگران جلوگیری کردند و از ترس از دست دادن کنترل اوضاع، سلاح های خود را در سرداب ها و زیر زمین ها مخفی کردند و زمانی که کارگران گذشت از کارگران دعوت کردند که با دست خالی به جنگ توپ و تانک و مسلسل بروند. با اینحال، کارگران حتی با دست خالی نیز جانبازی های قهرمانانه ای کردند. آنها با دست های خالی در مقابل یک ارتش مدرن به مقاومت برخاستند و علیرغم نداشتن یک سازمان منظم، تا چند روز بعد از کودتا با دلاوری بی نظیری جنگیدند. وقتی کارگران کارخانجات، پرچم سفید بالا میبردند و تسلیم میشدند، نظامیان وارد کارخانه میشدند و نگاه همه کارگران را در حیطه به خط میکردند. سپس آفسری "کسانسی" را که مفاومت کرده بودند، انتخاب میکرد و دستور میداد آنها را جلوی چشم رفقهای خود به گلوله بپزند. بعد از کودتا در تمام کشور مهمترین صحنه های نبرد، کارخانه ها و مناطق آلودگ نشین بود. نظامیان بیش از هر کس از کارگران و زحمتکشان انتقام گرفتند، زیرا آئینده، خود را در گروهی تسلیم آنسان میدیدند.

در حقیقت رفتار آئینده که ما نزدیک قهرمان در کاخ موند میمیزد، همواره بصورت اسطوره، مقدسی بوسیله لیبرالها و رویزیونیست ها ترسیم شده است. آنها به این طریق میخواهند هرگونه اشاره ای به این سه سال را که شرار از سیاستها و عملکردهای فریبکارانه وریا کارانه آئینده و دوستانش بوده و منجر به شکست فجیع طبقه کارگر شیلی گردید لاپوشانی کنند و بخصوص رویزیونیست های خائنی را که همواره مشوق این جاه طلبی خیال با فانه تاریخی بودند، تطهیر نمایند. آنها هنوز هم میکوشند تا از یک شرافتمندانه آئینده، دستاویزی ساخته و او را چون یک انقلابی، یک مارکسیست آزاده، در حالی که مسلسل در دست دارد و بر علیسه قاشیزم میچیند، نشان دهند. اما حقیقت آنست که آئینده تا آخرین روز حیات خود یک بورژوازی اصلاح طلب

و به این ترتیب بود که همان هفته اول مقام های وزارت دفاع آما رکشته شدگان را دوازده هزار نفر اعلام کردند...

مبارزه، طبقاتی در ایران، اسپیک هر روز عرصه وسیع تری را میپوشاند، عمیق بیشتری میگردد و بحران را فزونی میبخشد طبقه کارگر ایران، برای راهشایی در این عرصه بهناور، تجارب گرانبهای از مبارزات پرولتاریای جهانی را میتواند با ید مورد توجه قرار دهد. هنوز بیش از یکماه از کودتای نافرجام مزدوران امپریالیسم آمریکائی نگذشته است و هنوز سخنان بنی صدر، در

بعد از کودتا در تمام کشور مهمترین صحنه های نبرد، کارخانه ها و مناطق آلودگ نشین بود. نظامیان بیش از هر کس از کارگران و زحمتکشان انتقام گرفتند، زیرا آئینده خود را در گروهی تسلیم آنان میدیدند.

فردای کشف توطئه کودتا از خاطره هاست نرفته است که چگونه ارتش را مسئول کشف این توطئه قلمداد کرد و نظامیان چکمه پوش شاهرا "میهن پرست و اسلامی" نامید.

باقی ماند. آخرین گفته های وی، کسه بطور رسمی خطاب به مردم ایراد شد، حتی یک جمله برای هدایت توده ها

حکومت جامی سرما به داران، با حفظ ارتش مزدور و آمریکایی و مواظبت از ماشین دولتی سرما به داری وابسته، باها بیجوی غوا مغربیانهای میکوشد تا پاره ای اختلافات خود را با امپریالیست ها، بقیه رصفحه ۱۴

* - همین چند وقت پیش فیلمی بنام "کودتا" در سیمای جمهوری اسلامی نشان داده شد که نمونه روشنی از وقایع شیلی را بروایت رویزیونیست ها نشان میدهد. آنها این دن کیشوت را همچون قهرمانی تصویر کردند که سرانجام در مبارزه دلاورانه ای (۱۰) با چکمه پوشان آمریکایی، به شهادت رسید.

ای دخالت در تصرف و کنترل کارخانه است. در این سخنرانی او افکار بیمارش را برای کارگران شرح میدهد و سیاست سخت و شدید را در مورد دستمزدها اعلام میکند. علاوه بر اینها او از اقدامات ارتش برای خلع سلاح مردم حمایت میکند و رعایت "قانون کنترل اسلحه" را به کارگران توصیه مینماید. او در این سخنرانی همچنین آخرین پرده های حجب و حیا را دریده و اعلام میکند که "نهضت انقلابی چپ" به احتمال زیاد با "سیا" همکاری میکند. آری او در کنار دیگر یاراناش، رویزیونیست ها، سوسیالیست ها و یوزو ها، دیگر، آخربین پیوندهایش را با طبقه کارگر میبرد و آب پاکی بزوی دست نشان میریزد.

روز ۲۵ اوت، پس از استعفای فرمانده کل ارتش، آئینده طی حکمی ژنرال آگوستو پینوشه رهبر کودتا چیان را فرمانده کل ارتش میکند و به این ترتیب زمینه سازی کودتا بوسیله آئینده و یاراناش تکمیل میشود.

کودتا!

صبح روز یازدهم سپتامبر، عملیات کودتا آغاز میشود. ابتدا وزیر دفاع آئینده بوسیله نظامیان بازداشت میشود و هجوم نظامیان شکل آشکنسازی

بقیه از صفحه ۵

کارخانه ایرپوسلان . . .

این کمیته بعد از مدتی بحث و گفتگو به این نتیجه میرسد که به علت عدم هماهنگی و نبودن رهبری واحد، ادامه اعتصاب به شکست خواهد انجامید و بهتر است اعتصاب موقتاً تمام شود و مذاکره با هیئت پاکسازی و مدیریت دنبال گردد. تا در این میان کارگران دستمزد خود را بگیرند بر اساس تصمیمات کمیته موقت قرار میشود:

۱- مدیریت با هیئت منتخب کارگران برای مذاکره با هیئت پاکسازی همکاری لازم را بکند.

۲- اگر تا یکشنبه ۹ شهریور دلائل کافی برای اخراج کارگران ارائه نشود کارگران دست به اقدام شدیدتری خواهند زد.

۳- تا بازگشت و روشن شدن تکلیف کارگران آخر اجی (که عده ای از آنها نماینده شور بودند)، کمیته موقت، تمام وظایف شورا را بعهده بگیرد.

از جمله دلائل کمیته برای پایان دادن موقت به اعتصاب، عدم حمایت کارگران سایر کارخانجات بود. و اینکه اگر در سایر کارخانجات نیز به این ترتیب کارگران مبارز و انقلابی اخراج شوند لازم است کارگران چندین کارخانه متحداً اقدام نمایند.

تجربه ناموفق، اعتصاب نامحدود کارگران کارخانه کف کار برای حمایت از کارگران اخراجی که بدون نتیجه به پایان رسید و روحیه کارگران اثرات منفی گذاشته بود، نیز در تصمیم گیری کمیته موقت تاثیر بر پایان دادن موقت به اعتصاب موثر بود.

اگرچه کارگران شیفت بعد از ظهر با شکستن اعتصاب مخالفت داشته و آنرا برابر با اخراج قطعی نمایندگان و کارگران اخراجی میدانستند، ولی در کل کارگران تصمیم به کار نمیگیرند. آنها تصمیم میگیرند این بازگشت به کار همراه با کم کاری باشد تا با پایبندی آوردن سطح تولید، از این طریق نیز مدیریت را تحت فشار بگذارند.

در این روز چند بار مجمع عمومی

گذاشته میشود و هنگامی که مدیرعامل به اعتراضات کارگران پاسخ میدهد، کارگران او را هم میکنند همچنین یکبار بخيال خبرور و پاداران، کارگران بسوی دروازه میشوند. ولی پاسداران دوری زده و میروند.

در مجموع روحیه مبارزاتی کارگران خوب بوده است.

تشکیل کمیته موقت یکی از اقدامات برجسته کارگران کارخانه ایرپوسلان در این حرکت مبارزاتی است. در شرایطی که عده ای از نمایندگان مبارزشور اخراج شده اند، و در شرایطی که عده ای از نمایندگان باقی مانده شورا در خودتزلزل نشان میدهند و در واقع کارگران بدون رهبری مانده اند، تشکیل کمیته موقت رهبری، از ضروریات حتمی ادامه مبارزه کارگران است. و کارگران ایرپوسلان به خوبی به این ضرورت پی میبرند از نکات دیگر این حرکت مبارزاتی کارگران، تشکیل مرتب مجمع عمومی است.

تشکیل مرتب این مجمع های عمومی با شرکت تمامی کارگران، کمک میکند تا توده های کارگر مرتب در جریان مسائل قرار بگیرند. و آمادگی لازم برای ادامه حرکت مبارزاتی را داشته باشند. ضمن اینکه با تشکیل این مجمع عمومی پیشروان و رهبران کارگران امکان پیدا میکنند، از نظرات و روحیات توده های کارگر با اطلاع شده، و تصمیمات خود را هر چه دقیق تر تنظیم نمایند.

همچنین تشکیل مجمع عمومی با شرکت کارگران شیفت صبح و بعد از ظهر از حرکت های درست کارگران بود. با توجه به عدم هماهنگی و جدایی کارگرانی که در شیفت های مختلف کار میکنند، معمولاً کارفرما سعی میکند از این مسئله استفاده کرده و بین کارگران دوشیفت تفرقه و جدایی بیاندازد، و از آن برای شکستن یک اعتصاب و یک حرکت مبارزاتی کارگری سوء استفاده نماید. در کارخانه های بی که شیفتی هستند بلافاصله بعد از اقدامات ضد کارگری کارفرما نظیر اخراج کارگران کارگران شیفت های مختلف با یکدیگر برای دست زدن به یک حرکت مبارزاتی در شیفت صبح، مجمع عمومی گذاشته و تصمیم

ت مشترک بگیرند و بدین ترتیب بروند و همبستگی و توان مبارزاتی خود بسیار

ایند.

در رابطه با اخراج کارگران و نمایندگان مبارز مسئله ای که مطرح است حمایت و اقدامات همه جانبه برای بازگرداندن آنها به سرکار است. اما در این مورد به یک مسئله باید توجه داشت و آن شرکت فعال توده کارگر و جلب آنها برای حمایت و اقدامات همه جانبه برای بازگرداندن کارگران اخراجی است.

در شرایطی که توده های کارگر آمادگی ذهنی لازم برای شرکت فعال در مبارزه را ندارند و آمادگی پیشروان و آگاهان توده ها تضاد وجود ندارد و میتوان دست به اقدامات لازم مثل اعتصاب، تحصن، کروگان گیری، تظاهرات و راهپیمایی، کم کاری و... برای حمایت از کارگران اخراجی و بازگرداندن آنها کرد.

ولی در شرایطی که توده های کارگر، یا اکثریت آنها آمادگی لازم را برای شرکت فعال در حرکتی مبارزاتی مثل اعتصاب را ندارند، پیشروان آگاه نباید خود و یا همراه با بخشی از کارگران دست به اقداماتی نظیر اعتصاب بزنند. چرا که مسلماً حرکت آنها باعث ایجاد تفرقه میان کارگران گردیده و به شکست مواجه خواهد شد. در چنین حالتی وظیفه کارگران پیشرو و مبارز اینست که با فعالیت علنی و مخفی خود با دنیا علاقه میهن و تراکت و بحث راه انداختن و کوشش برای تشکیل مجمع عمومی و ایجاد صندوق تعاونی کمک به کارگران اخراجی، از یکطرف، جوکوت و اختناق و بی تفاوتی که کارفرما میخواهد بعد از زهر اخراجی بر کارخانه حاکم کند را بشکنند و از طرف دیگر با این گونه فعالیت، توده های کارگر را آگاه نموده و به حمایت از کارگران اخراجی جلب نمایند. نمونه درخشان چنین تاکتیکی را کارگران مبارز آگاه در پتروشیمی شیراز انجام دادند. آنها بدنبال اخراج یک نفر از کارگران، آن چنان تبلیغات و افشاکاری بر علیه هیئت پاکسازی و برای بازگرداندن کارگر اخراجی در سطح کارخانه راه انداختند،

ببیند صفحه ۱۱



خرم آباد:

تعدادی از کارمندان اداره بهزیستی خرم آباد که تازه دوره آموزش خود را تمام کرده اند، روز ۲۵ مرداد در یکی از میدانهای شهر به عنوان اعتراض به کمی حقوق خود تخمین کرده اند؛ این کارمندان در پیلمه بوده و تنها ماهی ۷۵۰ تومان حقوق میگیرند. آنان تاکنون به استناداری و دیگر مراکز اداری مربوطه مراجعه کرده اند ولی هیچ نتیجه ای نگرفته اند.

خرم آباد:

بعد از انحلال آموزش و پرورش بخش چگنی که خیر آن در پیک رزمندگان شماره ۲۶ آمده است، محصلین منطقه به پشتیبانی از معلمان خود دست به جمع آوری وامضاء و تهیه طومار برای محکوم کردن این عمل و جلب پشتیبانی روستائیان زده اند. روستائیان از این عمل استقبال کرده و اخیراً معلمان و انحلال آموزش و پرورش را محکوم کردند. بعد از آن افراد جدا جدا زندگی به خانه روستائیان رفته و با آنان در مورد معلمان منطقه گفتگو کردند. و وقتی روستائیان از کارآموزگان کاران فرزندان نشان اظهار رضایت نمیکردند میگفتند "اینها همه انحرافی هستند".

گرگان:

در جریان مراسم یادبود رفقای شهید برادران میرشکافری ۲۲ تن از انقلابیون و مبارزان بین در کرمان دستگیر شده اند و جان دوتن از آنان به نام مهتابی "امین عدالتی" و "حمیدوریزا" ه "در خطر است".

بروجرد:

به دنبال زد و بند سه تن از کوره داران بروجرد با فرمانده ار، عزیز و مرادی که گویا از دست اندکاران بنیاد مسکن میباشند، مزد کارگران کوره پزخانه های بروجرد کم شد. کارگران که بعد از قیام با مبارزات خود توانسته بودند دستمزدهایشان را نزدیک به ۴۰٪ افزایش دهند با کسب شدن دوباره حقوق خود دست به کار شده و با شعار کارگران بروجرد است سرمایه داران با دولت اتحادی اتحاد علیه سرمایه داران، زندگی کارگران ما را بدگوار کرد و الله اعلم بالصواب. کارگران بروجرد با فرمانداری راه پیمایی میکنند. فرماندار که از خیل کارگران و شعارهای کوبنده آنان به وحشت افتاده بود به فوریت وبدون هیچگونه مقدماتی مزد کارگران را به همان میزان سابق بق رسانده و این دستور را به کوره داران بخشنا مه کرده و فوراً بخشنامه را با کارگران میدهد. پاسداران سرمایه نیز با دیدن این عقب نشینی حکومت و فرمانداری در مقابل مبارزات کارگران سعی میکردند با بتکار عمل را خود دستگیرند و ادعای محکوم کردن کارگران میگفتند: "شما بیرویدما خودمان پدربزرگان را در می آوریم". پس از این ماجرا یکی از کارگران میگفت: "تا زمان اول کارمان است، تازه کارگران دارنده قدرت لایزال خودی میبرند، صبر کن یک کم آگاه بشوند، صبر کن شورا درست کنیم آنوقت پدر فرماندار و امثال آن را در می آوریم".

مسجد سلیمان:

مبارزات کارگران شهر - داری مسجد سلیمان برای بازگشتن به سرکار ادا مه دارد، و ۱۲ روز از تخمین آنان میگذارد (۵۹/۶/۵) کارگران علاوه بر تخمین هر روز دست به افشاکاری در سطح شهر میزنند و کارفرما و دولت روش بی اعتنائی در پیش گرفته اند تا کارگران را خسته کنند. روز اول شهریور مذاکره بین شورای ۹ نفری کارکنان شهرداری با شهردار صورت گرفت. در حین مذاکره پاسداران خواستند یکی از نمایندگان را دستگیر کنند که با اعتراض نماینده کارگران روبرو شدند. نماینده گفت: "من باید جریان

مذاکره را به کارگران گزارش بدهم و بعد از آن هر کار توانستید بکنید "بعد از اتمام مدد اگر شما بینه گمان جریبان را بطور کامل برای کارگران شرح دادند کارگران دور نما - بنده خود حلقه زده و ما نتوانستیم گیری اوتوسط پاسداران شدند.

در حال حاضر سه نفر از نمایندگان دستگیر، و سه نفر تحت تعقیب قرار دارند (۵۹/۶/۵)

اهواز:

تلاش انجمن اسلامی و کمیته کارگری انقلاب اسلامی و روسای کارخانه و کارفرمای کارخانجات نورد اهواز برای انحلال شورای کارکنان بی نتیجه ماند. کارگران در کارخانه مرکزی نمایندگان شورا را مورد تائید قرار دادند و عوامل رژیم جمهوری اسلامی را افساء کردند.

تهران - کوردسولی دروازه غار:

روز شنبه اول شهریور مبار دیگر پاسداران و مزدوران حزب اللهی به هواداران سازمانهای سیاسی فعال در محل که از قبل شناسایی کرده بودند حمله برده و چندین نفر را دستگیر کردند. در حین درگیری مزدوران به دکان یکی از هواداران مجاهدین حمله بزرگ و تمام عکسهای درون دکان و روزنامه های درون انجمن را پاره کردند. در پی این وقعه نیروهای انقلابی با پشتیبانی مردم دست به افشاکاری وسیع و مقاومت در مقابل این حملات زدند!

خارک:

کمیته پاکسازی ادارات خارک ۴ نفر از نمایندگان مبارز و انقلابی کارگران پیمان را به اتهام اخلاکگری اخراج نمود. بعد از اخراج کارگران ان قسمت مستقلات بعنوان

اعتراض به اخراج نمایندگان دست به تخمین زدند که تا گهتان سر و کله پاسداران و دادستان انقلاب پیدا شد. دادستان در جمع کارگران با بیشرمی هر چه تمامتر کارگران اخراجی را ضدا انقلاب خطاب کرده و کارگران دیگر را تهدید کرد که در صورت حمایت از اخراجیان در ملا عام ۸۰ ضربه شلاق خورده و اخراج میشوند.

اهواز:

روز ۲۹ مرداد ساعت ۴۵ / ۸ تظاهراتی از سوی هواداران سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر و وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگردانان حیه که با اهواز به منظور اعتراض به دادگاههای فرمایشی دولت و افشای عاملین سینما رکس و حمایت از بازماندگان شهیدان که در بند و اسیر ارتجاع هستند صورت گرفت. راه پیماییان با دادن شعارهایی "بازمانده مبارز از زندان ارتجاع آزاد باید گردد" سرکوب انقلاب است، کردستان، کردستان سنگرز حمتکشان "مسیر کیان را طی کرده و مورد حمایت و پشتیبانی بسیاری از مردم ناحیه کیان قرار گرفتند.

مسجد سلیمان:

به عنوان اعتراض به حمله شبانه پاسداران به کتابخانه ها، هواداران "سازمان در مسجد سلیمان دست به راه پیمایی زدند. در این راه پیمایی تظاهرات کنندگان از مبارزات کارگران شهرداری نیز پشتیبانی کردند.

اهواز - کارخانه نورد لوله ایران:

بالاخره بعد از ماهها کشت و قوس طرح طبقه بندی مشاغل کارگران پیاده شد. بقیه در صفحه ۱۲

بقیما از صفحه ۱۱

اخبار کوتاه

شدن این طرح بعلت تبعیضات این طرح باعث اعتراض وزا - حاصل از آن، اعتراض عده ای از رت کار شده است. وزارت کار کارگران را برانگیخت، هما - در نامه ای به مدیریت گفته منظور که عده ای را نیز راضی است: "اعمال شما با توجه به جو کرد. این طرح میبایست از سال منطقه برخلاف احکام شورای ۵۸ اجرا گردد که از سال ۵۹ اجرا انقلاب است!" و مدیریت است شده و قرار بوده هیاتی از تهران در جواب گفته است "ما این به کارخانه آمده و از کارگران عمل را برای جلوگیری از اعتراض بخواهید این حقوق عقب افتاد - اضاات کارگران انجام ده رابه دولت ببخشند!! اجرای داده ایم!" *

حزب خائن توده دست سازشکاران را رو میکند!

چندی است که سازمان چریکها (اکثریت) رسالت حزب توده را در تنه زدن و افترا بستن به نیروهای انقلابی - بخصوص در کردستان - در پی گرفته است و از هر دستاویزی برای این منظور استفاده میکند. اگر تا دیروز تنها حزب توده رسالت اتهام زدن به کومه له و سایر گروههای کمونیست کردستان و سراسر ایران را به عهده داشت، امروز سازمان چریکها (اکثریت) میکوشد تا با سند و مدرک ثابت کند که کومه له از حزب فاشیست و بعث عراق ای شرکت در جنبش مقاومت خلق کرد کمک میگیرد، سازمان چریکها اکثریت که یکسره به جنبش خلق کرد و کارگران و زحمتکشان سراسر ایران پشت کمر سندی که در ("خبر" شماره ۳۳ به تاریخ ۵/۱۳/۵۹) چاپ کرده با شخصی به نام "حامد بیک" "مباحثه میکنند و پاسخ های او نتیجه میگیرد که او با شیخ عزالدین حسینی و کومه له رابطه داشته و عزالدین حسینی و کومه له نقش "بازرانی" ضد خلق و ضد کرد را در کردستان بازی میکنند.

اما تحریفات سازمان چریکها (اکثریت) که توسط شیخ عزالدین حسینی افشاء شده و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران نیز آن پاسخ داده است، اینک از سوی رویزیونیستهای ضد خلق حزب توده - ملا گشته است.

رویزیونیست های حزب خائن توده که بعد از انشعاب جناح توده از حزب دموکرات دست به افشاگری علیه قاسملو و حزب دموکرات زده اند، همکاری ها وسیعانه های مشترک سازمان چریکها (اکثریت) که به تازگی "در پی موضعگیری های مثبت اخیر" مورد تقدیرانه توده ای ها قرار گرفته، ناراحت شده و ثابت میکنند که آن مزدور بعث عراق با حزب دموکرات نیز رابطه داشته است! (رجوع کنید به "نامه مردم" شماره ۳۱۵ یکشنبه ۲ شهریور ۵۹) در سندا ارائه شده توسط سازمان چریکها (اکثریت) از مجم سئوالاتی که از حامد بیک پرسیده شده است ۳ سئوال چاپ نشده و سئوالاتی شده از شماره ۲۴ تا زنده است. زیرا آن سه سئوال اول رابطه حامد بیک را با حزب دموکرات نشان میدهد، که بعلت روابط دوستانه سازمان چریکها (اکثریت) با حزب دموکرات، سازمان چریکها اکثریت آن را چاپ نکند است. در واقع سازمان چریکها (اکثریت) نه تنها در افشای "وابستگی نیروهای انقلابی و کمونیست منطقه به توده ها دروغ گفته است، بلکه پنهان کردن وابستگی رهبران حزب دموکرات به بعث عراق، نشان داد است که دشمنی اش نه با نیروهای وابسته با حزب بعث رابطه دارند، بلکه نیروهای وابسته به آن ها و هیئت حاکمه پیگیرانه مینا رزه و مقاومت میکنند.

رابطه حزب دموکرات کردستان با حزب بعث عراق برکسی پوشیده نماند و سازمان چریکها اکثریت تنها و تنها به علت نزدیکی مواضع سیاسی با شکارانه و اپورتونیستی خود و برای مقابله با نیروهای انقلابی منطق با دموکراتها دست بیعت داده است. و دومین بیانیه مشترکشان نیز که مشا از روح سازشکاری و فرصت طلبی نسبت به هیات حاکمه جمهوری اسلامی ایران، پتانژگی چاپ و پخش شده است.

آری! سازمان چریکها (اکثریت) که در جریان رشد مبارزه طبقا بقیه در صفحه

در پیشگاه خلق کرد سازشکاری محکوم است!

مراسم یاد بود رفیق تقی شهرام



جاودان باد
خاطره
رفیق شهید
تقی شهرام

بمناسبت چهلمین روز شهادت کمونیست انقلابی رفیق شهرام. مراسم از طرف سازمان های انقلابی و کمونیست در گورستان بهشت زهرا برپا گردید. این مراسم با خواندن سرودها ی انقلابی و ارسال پیام هایی از طرف سازمان پیکار، هواداران سازمان رزمندگان، وحدت انقلابی، راه کارگر، خواننده شهدای سازمان چریکهای فدایی خلق، پدر رفیق شهرام و... همراه بود.

مراسم با سرودای رفیقان و اعلام یک دقیقه سکوت برای بزرگداشت خاطره رفیق شهرام آغاز شد و با پیام پدر رفیق شهرام به پایان رسید.*

بقیما از صفحه ۱۰

کارخانه ایرپسلان... که هیئت پاکسازی را مجبور به عقب نشینی نموده و علاوه بر اینکه دستش را برای آخر - اجهای بعدی بستند حتی مقدمات برگرداندن کارگر خراجی را نیز فراهم نمودند.

* * *

از نکات برجسته دیگر حرکت مبارزه اتی کارگران ایرپسلان نقش فعال و پیشرو کارگران زن این کارخانه بود. کارگران زن این کارخانه از پایه های محکم و استوار در حمایت از کارگران خراجی بودند.*

بعدا زفتوای حاکم شرع خوزستان مبنی بر ممنوعیت فعالیت گروههای سیاسی در آبادان و خرمشهر، حزب الهی ها و مزدوران حکومتی به چادر "فروش خواربار" مجاهدین در آبادان حمله کردند. در این چادر مجاهدین یک تعاونی درست کرده و اجناس را به قیمت مناسب به مردم محل میفروختند قبلا فالانژها در کنار آن چادری به اسم "تعاونی امام خمینی" زده و از آنجا مردم را بر علیه مجاهدین تحریک میکردند. اما این تحریکات کمترین اثری در مردم محل نداشت.

با اواخر ساعت ۲/۵ شب ۳۰ مردا دفالانژها به چادر حمله میکنند ولی با مقاومت شدید مردم محل مواجه میشوند و علیرغم یرتاب کوکتل و آمدن پاسداران، در کار خود موفق

در آبادان

حمله به مجاهدین و حمایت مردم!

نمایشند. فردای آنروز ساعت ۷ بعد از ظهر ۳۰ مردا درگیری با ردیگر آغاز شده این بار فالانژها با سنگ و چاقو حملات خود را آغاز میکنند و با زهم با مقاومت مردم روبرو میشوند. اما در حین درگیری سروکله پاسداران به نفع یاران مز دورشان پیدا میشود که با گاز اشک آور به سوی مردم هجوم میآورند. وفالانژها هم از فرصت استفاده کرده و چادر را با کوکتل مولوتف به آتش میکشند در این درگیری ۴۰ - ۳۰ نفر به شدت زخمی شدند. این درگیری تا ساعت ۱۱ شب طول کشید. در حین درگیری یکبار مجاهدین صف بستند تا نماز بخوانند ولی پاسداران به نماز آنها حمله کردند! فردای آنروز رادیو با جعل و تحریف واقعا

ت مردم را علیه نیروهای انقلابی تحریک و بسیج میکرد.

روز ۳۱ مردا دستار هم درگیری ادا می یافت هواداران مجاهدین در محل چادر جمع شده و شعار میدادند "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع" "اسلام پیروز است، ارتجاع نابود است" بعد از مدتی نزدیک به ۵۰۰ نفر در مقابل ۲۰۰ حزب الهی و تعدادی پاسدار صف کشیدند و به نماز ایستادند، هنوز نماز تمام نشده بود که فالانژها به سوی آنها حمله کرده و پاسداران تیر هوایی خالی کردند. اما علیرغم این حملات نماز پایان یافت و بعد از نماز کوکتلی به میان مردم انداخته شده و درگیری آغاز شد. دیگر نیروهای انقلابی با شعار "مجا

هد، مجاهد، درستگرا، نقیب حمایتت میکنیم"، "مرگ بر ارتجاع، مرگ بر آمریکا" به حمایت از مجاهدین برخاستند. کوجهای اطراف محل از شعار "مرگ بر پاسدار حرامی سرمایه دار" "چماق دار حمله میکند، پاسدار رحمانیت میکند"، "لبریز شده بود این تظاهرات تا ساعت ۱۱/۵ شب بطول انجام میداد و ۲۵ نفر زخمی، تعداد زیادی دستگیر و یکی از هواداران مجاهدین به نام جاسم بنی رشید به وسیله سنگ و میله به شهادت رسید.

روز ۱ شهریور مراسم تشییع جنازه شهید هوادار مجاهدین جاسم بنی رشیدی از بیمارستان شماره ۴ شرکت نفت تا قبرستان شهرا دادستانه یافت و با آنکه کمتر کسی بقیه در صفحه ۱۴

● عدم استخدام معلم از دستاوردهای انقلاب فرهنگی رژیم! ●

کمتر کسی است که به نقش فعال و مهم میلیونها دانش آموز هزاران معلم در پیروزی قیام آگاهی نداشته باشد. دختران و پسران دانش آموز، پرشور و انقلابی، در تابستان روزمستان، در دوران حکومت نظامی و اوج خفقان به خیابانها میریختند و نظامیان را با همه تسلیحاتشان به ریشخند میگرفتند. هزاران معلم، از همان مهر سال ۵۷، با وجود همه فشارها، به تحریم کلاسها پرداختند و از حضور در کلاسها خودداری کردند.

اینک پس از نزدیک به ۲ سال که از قیام خونین خلق ما میگذرد، رژیم برای حفظ موقعیت خود، به یکی دیگر از سنگرهای مبارزه، یعنی مدارس هجوم آورده است.

از آخرین اقدامات ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی برای تدارک اول مهر عدم استخدام معلم در آموزش و پرورش

است. در حالی که دانش آموزان ما، در دوران رژیم گذشته در پاره ای از دروس و در مناطقی متعدد از داشتن معلم محروم بودند. با وجود موج اخراج، محمدجواد باهنر، این نماینده حزب جمهوری در آموزش و پرورش و همه کاره آن، میگوید "هیچگونه زمینه ای جهت استخدام در آموزش و پرورش وجود ندارد" (۳ شهریور روزنامه جمهوری اسلامی)

اینک که با اصطلاح انقلاب فرهنگی دانه مدارس را نیز گرفته است، رژیم به تعطیل همه واحدهای تربیت معلم، حتی تربیت معلم فنی اقدام کرده و از آن طرف سپاه پاسداران را برای همکاری با آموزش و پرورش به یاری گرفته است. آنها در حالی که هزاران معلم مبارز را اخراج میکنند از عناصر ضد انقلابی و خشک مغزی که در واحدهای سپاه پاسداران به اقدامات ضد خلقی مشغولند برای آموزش

و پرورش دعوت بعمل میآورند. چند ماه قبل وقتی مسئله انقلاب فرهنگی در دانشگاهها طرح شد، ما هشدار داده بودیم که این اصطلاح انقلاب در آنجا متوقف نخواهد شد و دامنه وسیعتری بخود خواهد گرفت. زیرا خرده بورژوازی جاکم که اینک تمامی قدرت را میخواهد، تحمل وجود هیچگونه محیط مبارزاتی و انقلابی را در صحنه فعالیت های سیاسی واجتماعی ندارد و حتی مخالفین ضد انقلابی خود در حکومت را هم محدود و تصفیه میکند.

اما میلیونها خانواده ایرانی که فرزندان شان به مدارس میروند، همراه با دانش آموزان آگاه هرگز زیر بار این اقدامات قرون وسطایی و تفتیش عقایدی شرمانه نخواهند رفت و در مقابل این اعمال آزادی های سیاسی بدست آمده و از حقوق مسلم فردی واجتماعی خود، با قدرت تمام پاسداری خواهند کرد!

از اخراج دانش آموزان و معلمان مبارز جلوگیری کنیم!

بقیما ز صفحه ۵

کارخانه سیمان ...

تا کارگاه و حمایت از کارگران سیمان ری اعلام میکنند. اما شورایی اینکار مخالفت میکنند و اعضای شورا خود آ ماده حرکت بسوی کارگاه سیمان ری میشوند. آنها ساعت ۴/۵ بعد از ظهر خود را به جمع کارگران میرسانند و پس از شنیدن واقعه تعهد میکنند که خواسته های کارگران را مبنی بر جلوگیری از اخراج کارگران اخراجی و نیز اخراج سرمهندس کارگاه پیگیری کنند. آنها از کارگران میخواهند که فردا دوباره کار را آغاز کنند و منتظر اقدامات آنها باشند. جلسه با شورو هیجان تمام پایان میگردد و کارگران برای نابودی سرما به داران صلوات میفرستند!

مبارزه ادامه دارد!

کارگران از فردای آ نروز کار را شروع میکنند و منتظر نتیجه میمانند سرمهندس به کارخانه می آید ولی از دفترش خارج نمیشود. آخرین خبرها حاکی است که متن شکایات کارگران به "مقامات بالا" رسیده و شورا همچنین از مدیر عامل صنایع فلزی هم بخاطر حمایتش از سرمهندس کارگاه سیمان ری شکایت کرده است. ما موران حکومتی فعلا لال شده اند و کارگران متحند و یکپارچه در انتظار ریسر میگردند!

حزب خلق توده ...

خلق کرد هر چه بیشتر خود را منزوی و منفرد مینماید، میکوشد از بسوی با نیروی چون حزب دموکرات که آشکارا با حزب بعث عراق رابطه دارد همکاری کرده و مقرر مشترک برپا میکند و از بسوی دیگر کومه له و شیخ عزالدین حسینی را که در طی مبارزاتشان ثابت کرده اند که به هیچ نیرویی جز قدرت کارگران و زحمتکشان تکیه ندارند به همکاری و همدستی با رژیم فاشیستی بعثت عراق متهم میکند! برآستی که راه سقوط کامل به مراد برویونیسم شیب تنندی دارد که نجات از هر چه بیشتر فروریختن در آن به این سادگی ها میسر نیست!

بقیما ز صفحه ۱۲



گرامی باد خاطره مجاهد شهید مهدی رضایی

یاد مهدی رضایی، مجاهد خلق، انقلابی دلور سالهای سیاه، دیکتاتور آریستوکراسی مپری، گرامی باد!

بقیما ز صفحه ۱۲

حمله نه ...

از مراسم خیرداشت ۵۰۰ - ۶۰۰ نفر در تشییع جنازه شرکت کردند. پس از خاک کردن شهید بار دیگر سروکله فالانزها پیدا شد که با بیشرمی شعار "مرگ بر منافقین" میدادند. در بین راه پاداران یکی دیگر از راهو داران مجاهدین را دستگیر کرده هاست!

بقیما ز صفحه ۶

کودتای شیلی ...

به وسیله ای برای انحراف مبارزه طبقاتی بدل کنند و ضمن طرح ادعاهای فریبکارانه اش در باره "حمایت از مستضعفین" در عمل به مصالحه با سرما به داران و بسط سرکوب طبقه کارگر و زحمتکشان بپردازد. آنها در عمل با شورا های کارگری و هر نوع اقتدار کارگران و زحمتکشان فعلا لانه مخالفت میکنند و در عین حال شعارهای توخالی ضد سرما به داری میدهند. آنها با ترساندن مردم از امپریالیسم فریبکارانه به نمایش ایجاد ارتش بیست میلیون میپردازند. در حالی که تمام کارگران و زحمتکشان، بی دفاع و بی سلاح از این همه سیاست بازی سرگشته و حیران مانده اند و در عین حال کارگران حکومت با اعلامیه های ریز و درشت مردم را به خلع سلاح تشویق و تهدید کرده و دارندگان اسلحه را به مرگ تهدید و محکوم میکنند. آری، آنها با پوشاندن این واقعیت که امپریالیسم همواره از طریق پایگاه داخلی خود، یعنی سرما به داران و ارتش مزدوری که اطاعت کورکورانه در آن رایج است، دست به عمل خواهد هزد، مردم را از مبارزه با سرما به داری وابسته بر حذر میکنند و لافزنانه دم از مبارزه با امپریالیسم میزنند.

اینک بحران روز به روز اوج بیشتری میگیرد. دو جناح حکومت از یکسویا یکدیگر و از سوی دیگر متحدانه با توده ها در ستیزند و خطر فدا انقلاب مغلوب روز به روز بیشتر میشود. آنها کودتا را تقبیح

میکند ولی به کودتا چنان هر روز قدرت میبخشند. و در این میان توده ها و بخصوص کارگران که حمله اصلی کودتا را بر علیه خود می بینند - هر روز سرگشته تر از روز پیش میشوند

مردم ما، در میان انبوهی از رویداد های بغرنج، امیدشان را از حکومت از دست میدهند. ترکیب ناممکن حکومت، علیرغم تمایلات طبقاتی متفاوت، عملا به بسوی میروند که هفت سال پیش آلوده قدم در آن گذاشت. و در کنار حکومت، رو-زیونیست ها - حزب خائن توده و کمیتسه مرکزی چریک های فدایی (اکثریست)، با همان ترهاتی که هفت سال پیش روی-زیونیست های شیلی بخورد مردم میدادند، این جریان فاجعه بار را تقویت میکنند. رویزیونیست های شیلی، که هزاران هوا دار فریب خورده خود را در جریان کودتا به قربانگاه نظامیان سپردند و گریختند، پس از پیروزی کودتا طبقاتی اطلاعیه ای اظهار داشتند: "نقشه کودتا، اجرا و روش های وحشیانه آن همگی متشابه خارجی دارند. این نقشه در ادارات سازمان سیا و با همکاری ای. تی. تی. و کنکات با برصه وجود گذاشت و برای اجرای آن گروهی از جانب پنتاگون و کاخ سفید ماورا اجرای آن شدند" تفسیری آیین چنین خیال پردازانه و پلیسی از کودتای شیلی تنها بدر سرما به داران و نوکران آنها در سراسر دنیا میخورد. البته شکی نیست که امپریالیسم و سازمان سیا در کودتا نقش برجسته ای داشتند. اما مسئله اساسی این نیست.

در این بیانیه (همچون مقالات فعلی حزب توده) حتی کلمه ای دیده نمیشود که نشان دهد کودتا نتیجه مستقیم سیاستها و عملکردهای سازشکارانه آلوده با بورژوازی و عمال امپریالیسم از یکسو و مبارزه با طبقه کارگر و سرکوب و فریب دادن آنها از سوی دیگر بوده است. رویزیونیست های شیلی با وقاحت مزورانه ای میکوشند تا منازات طبقاتی را در برده ای از ابهام بنیوانند و در این راه از زینت کون سیا، امپریالیسم و کلماتی از این دست کمک میگیرند. اما علیرغم ادعای آنها که گویا با حمایت "بورژوازی ملی" دست اندرکار "انقلاب میرالیستی" بوده اند، تمام احزاب بورژوا، برخی بمنظور سقوط دولت "اتحاد ملی" و باره ای بقصد محدود کردن برنامه آن، به مبارزه بر علیه "اتحاد ملی" برخاستند.

اینک بخش تاریخ در میهن ما می طپد و اردوی نابسمان کارگران و زحمتکشان را، خیل ناممکنی از حامیان بورژوازی، بالباس های اصلی و بدلی محاصره کرده اند. کمونیست ها اینبار نیز همچون تمام عرصه های نبرد، بسترای پیروزی کارگران و زحمتکشان از هیچ جانفشانی دریغ نخواهند کرد!

ملح شدن کارگران و زحمتکشان تنها راه مقابله با کودتا است!

نابود باد سرما به داری وابسته به امپریالیسم

دروغهای شاخدار رژیم

کشف یک شبکه توطئه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران در تهران

اطلاعات از سازمان اطلاعات

یک شبکه توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران که به فعالیت های مسلحانه نیز مینجامد در تهران کشف و اعضای آن شکست داده و تیرباران شدند.

گروه ضربت کمیته مرکزی طی چند روز گذشته یک خانه تفریحی را در رابطه با گروه های توطئه و بیگانه در راه آزادی

رژیم جمهوری اسلامی که روز به روز بیشتر با به توده ای خود را از دست میدهد و روز به روز بیشتر اعتماد مردم بدان کم میشود دیگر نمیتواند به شیوه های گذشته مردم را فریب دهد، دیگر نمیتواند با هیاهو راه انداختن برسرنهادهایی از تضادی که با امپریالیسم دارد مبارزات واقعی ضد امپریالیستی را منحرف کرده و توده ها را سرگرم کند، دیگر سیاست رژیم سرکوب آشکار و قدرتمند نشان دادن خود است. زمانی که اعتماد توده ها به رژیم از بین برود آنچه که در کناره سرکوب میتواند نظر ذهنی مانع مبارزه توده ها گردد، ایجاد محیط رعب و وحشت از طریق قدرتمند جلوه دادن خود است. مدتی است که رژیم جمهوری اسلامی با دروغهای شاخدار خود به این شیوه دست میزند. این روزها روزنامه های سانسور زده و دولتی رژیم جمهوری اسلامی چون، اطلاعات، صبح آزادگان، جمهوری اسلامی... مشحون از شاخدارترین دروغهاست:

دو تشکیلات معنی ندارد. هیچ چیز تمام و وسایل خود را در یک خانه نمیکند. این ها ابتدایی ترین آثار مبارزه نیروهای انقلابی و کمونیست است. استقرار یک حکومت ضد خلقی و ضد آزادی است. ما روزنامه های رژیم و در آن جمهوری اسلامی دائماً از خانه های پر می دهیم که اولاً مال چندین تشکیلات است، در آن خانه ها که هم کار تکثیر صورت میگیرفته یا هم آموزش اسلحه هم تدریس می دهد و... و... و... پاسداران سواد نداشتند با هوشیاری آن خانه را کشف کردند!! گفتن دروغهای شاخدار و جعل حقایق برای ترساندن مبارزین و توده های انقلابی همواره روش رژیم های ضد خلقی است آنها که تنها بر قدرت اسلحه مزدوران خود متکی هستند راهی ندارند جز با ایجاد رعب و وحشت و کشتار توده ها، مبارزات مردم را سرکوب کنند و این را هیست کنه رژیم جمهوری اسلامی مدتهاست در آن گام نهاده است! ما نه دروغهای شاخدار رژیم، نه پاسداران رژیم - ۳ بدست، نه ارتش ضد خلقی و فرماندهان مزدوران نمیتوانند هیچ ترسی در دل کمونیست ها و انقلابیون و کارگران و زحمتکشان آگاه و مبارز بوجود آورند. اگر کمونیست ها و انقلابیون از شکنجه، دستگیری، زندان و مرگ وحشت داشتند مدتها قبل، در زمان رژیم شاه که دستگاه ارتش و ژاندارمری و ساواک آن جزو مدرنترین شبکه های سرکوب جهانی بود میبایست دست از مبارزه میکشیدند! ما زهی خیال باطل!

علیرغم تمامی دروغهای رژیم روزهایی نیست که خود روزنامه های سرافرازی دروغ، خبر از درگیری مردم و نیروهای انقلابی با پاسداران ندهند، روزی نیست که کارگران و شورای کارگری کارخانه های علیه سرکوبهای حکومت دست به مبارزه زنند، روزی نیست که درگیری و مقاومت در کردستان خاموش گردد و روزی نیست که فریاد اعتراض و مبارزه کارگران و زحمتکشان ما گوش فلک را کر نکند باشد آری رژیم جمهوری اسلامی کور خوانده است، مبارزه علیرغم تمام تهدیدات، و سرکوبها و دروغهای رژیم ادامه دارد...

نشان دهد و فراموش نمیکند که در بسیاری از خبرها مجبور است بنویسد "نیروهای مهاجم و ضد انقلاب حمله کردند و پاسداران و ارتش به حملات آنها پاسخ گفتند." و فراموش میکند که هر روز حداقل دهها تن از پاسداران در کردستان کشته میشوند و در کمین پیشمرگان میافتند!

اما کار دروغ پردازی رژیم ابعاد وسیعی دارد و تنها به جنگ کردستان ختم نمیشود یکی دیگر از موارد ابعاد دروغ پردازی ها در دستگیری نیروهای انقلابی و کمونیست است. بارها و بارها دیده ایم که رژیم جمهوری اسلامی خیراز اشغال یک خانه تیمی میدهد! خانه ای که در ارتباط با گروه های کومه له، بیکار، مجاهدین، چریکها، و... بوده است و در آن هر چه که دلالتان بخواهد پیدا شده است. باز هم اگر کمترین اطلاعی از کمینهای تشکیلات های مختلف سیاسی داشته باشیم میدانیم که هر یک از این سازمانها خود تشکیلات مستقل، اعضای مشخصی آنها مخصوص به خود دارند و خانه مشترکی بین

ران ۱۳۳ تن از مهاجمین کشته شدند!! (جمهوری اسلامی ۲ شهریور ۵۹)

۲۵۰۰ ضد انقلاب در روستاهای بانه کشته و زخمی شدند. پایگاه ضد انقلاب در منطقه منهدم شد! جمهوری اسلامی ۱۳ مرداد ۵۹

۱۱۰ مهاجم در سردشت کشته و مجروح شدند (کیهان شنبه ۲۵ مرداد ۵۹)

هر کس کمترین اطلاعی از چگونگی جنگ در کردستان داشته باشد میدانند که جنگ پیشمرگان با نیروهای ارتش یک جنگ پارتیزانی است که در آن در هر دسته پارتیزانی حداکثر ۱۲ نفر و حداقل ۴ نفر شرکت دارند و معمولاً ۸ - ۹ نفر هستند و کشته شدن ۱۳۳ نفر مهاجم برای هرفرد آگاهی تنها موجب خنده میشود و از سوی دیگر نشان میدهد ضعف حکومت میباشد. البته در حمله مزدوران حکومتی که با انواع سلاح های سنگین از زمین و هوا صورت میگردد آنها نواز روستا ثیان زحمتکش کشته میشوند و رژیم سعی میکند کشتار توده های بیدفاع را به حساب انقلابیون و مبارزین بگذارد. رژیم با این کار سعی میکند خود را در حال پیروزی بر مبارزات خلق کرد

آگاهی توده ها، نابودی ارتجاع!

پیرامون محاكمه احمد رضا کریمی خاغن



آتش به خیمه سرمایه!

از پینه دست کارگر کوره بزخانه
از کمردرد کشته رفیق سنگ تراش
از چین و چروک، از مرگ تدریجی
کارگردون کوره
از مرگ فجیع رفقای کارگرد

از محرومیت و گرسنگی رفیق کارگر ۷ ساله معدن
در کا رطافت فرسای کوره
از صفا و صمیمیت رفیق ۱۲ ساله
بهنگام "خام پخته زنی"
از پاک بی حد رفیق ۹۰ ساله
بهنگام "سوخت کشی"
از جنایات بیشمار سرمایه
بر فراز اردوی کار
از سوسپالیسم
علم رهایی کار از یوغ سرمایه
آموختم
که بایدها مبرداشت:

استوار
بولادین
آگاهانه
با قلبی آکنده از:
کینه و نفرت به سرمایه
و عشق به کارگر و جمتکش
آموختم که:
"بدون نابودی سرمایه داری و بیست خلق
آزاد نمیشود"
آموختم که:
"اتحاد بولادین کارگر و جمتکش
باید نظم سرمایه را درهم بکوبد"
آموختم که:
"با پدیده شعله های نفرت و خشم،
آتش به خیمه سرمایه انداخت"
آموختم که:
"با پدیده شفا نه برآه کمونیسم گام نهاد"
براهی که میلیونها انسان شریف
در آن گام نهادند
براهی که مرتجعین سرمایه
مذبوحانه بر علیه آن لجن
مپراکتند!
براهی که نجات بشریت از یوغ استثمار
سرمایه را
برای همیشه به ارمغان میآورد.
رفیق "الف" از شهر
کرد

دو هشتمین جلسه دادگاه

توضیحات مشروحی از کسانی
چون، پرویز نکخواه، دکتر
دانیالی، دکتر صادقی، قنج
خانگی و لواسانی، کورش
لاشانی و جعفر کوش آبادی
هاشمی، قوچانی، فلاحسین
ساعدی، سیروس نهاوندی
سمن نهاوندی، بنائی و طهبور
طلحانی و فرهنگو علامزاده
و گلبرخی و فیروز گوران
مجموع دولت آبادی و لکس
پاکزاد و ابراهیم و
مجموعی و...
ارتباط...
نام...
افراد...
ساواک...
زندانیان گرفتار با ایشان نیز
در جریان هستند و البته افرادی
هم بودند که من نامشان خاطر
نشد.

عمر رژیم جمهوری اسلامی و عمر دادگاههای انقلاب یکی است و از زمان استقرار رژیم جمهوری اسلامی دادگاههای انقلاب نیز برای مجسبات عوامل سرکوبگر و وابستگان رژیم سابق بوجود آمد. اما از آنجا که عملکرد دادگاههای انقلابی نمیتوانست جدا از ماهیت خود رژیم باشد، روز به روز بیشتر معلوم گشت که دادگاههای انقلاب نه در خدمت مردم بلکه در جهت خفه کردن مبارزات توده ها و اعدام مبارزان و انقلابیون کار میکنند اکنون که سرکوب مردم تنها شیوه حفظ حکومت و برقراری جمهوری اسلامی شده است این مسئله بیش از پیش آشکار میشود.

در میان تمامی اقدامات ضد انقلابی دادگاههای انقلاب اسلامی در جهت دستگیری کارگران مبارز، آزاد کردن ساواکیها و عوامل رژیم شاه، اعدام انقلابیون و کمونیست ها، انحلال شوراهای واقعی کارگران از قبیل شور ای کارکنان شرکت نفت و... این روزها شاهد محاکمه احمد رضا کریمی این مزدور خائن و خود فروش هستیم. دادگاه رژیم جمهوری اسلامی که تابستان گذشته در عرض یک هفته ۴۰ نفر از بهترین فرزندان خلق را به جوخه اعدام خلخال جلا سپرد، دادگاه انقلاب اسلامی که عزیزان را به چرم بخش اعلامیه و فروش نشریات اعدام کرد، دادگاه انقلاب اسلامی که دانشجویان مبارز اهواز را بعد از چند روز دستگیری اعدام کرد و رفیق تقی شهرام را نیز غیابا به جوخه تیرباران سپرد، دادگاهی که محمدرضا سعادت را پس از یکسال سرگردانی هنوز بایگانی کرده است. اینک نزدیک به یکماه است که احمد رضا کریمی را محاکمه میکنند کسی را که سالها در لودان کمونیست ها و انقلابیون و شکنجه و اعدام آنها دستیار ساواک بوده است، کسی را که بغلت استبداد و افش در شناخت افراد و حافظه خوب خود اطلاعات بسیاری در اختیار ساواک رژیم شاه قرار داده است. با رها به جلسه محاکمه رژیم و حرفها و ادعایات او گوش فرمایید، چرا چنین است؟

ما در گذشته نیز شاهد بودیم که این دادگاهها مثال شهرای ما را در سراسر ایران برای نمایشات تلویزیونی علیه انقلابیون و کمونیست ها به تلویزیون آورده بودند و اینک نیز در محاکمه احمد رضا کریمی به او اجازه میدهند که هر چه میتواند علیه نیروهای انقلابی و مخصوص مجاهدین سخن بگوید. رژیم جمهوری اسلامی، خائن است، مورخینش و او را در گذشته است که در باره کسی چنین خبر و گلبرخی با وهرایی کند، کریمی در دادگاه گلبرخی را به همکاری با ساواک متهم کرده است. در حالی که میلیونها نفر از مردم ما اگر شاهد محاکمه های او نبوده اند، لاف او را از گوشه ای از پینه دکان او در تلویزیون مشاهده کرده و شهادت و بیداری او را قدر زبانه زد مردم بلکه رژیم جمهوری اسلامی از نمایش دوباره آن در سالنهای تلویزیونش جلوگیری کرد. با وهرایی و همکاری خائسی چون احمد رضا کریمی، بدو بهر اینکه تعدادمان کم است از آن خائسین ثابت میکند، برای سردمداران رژیم جمهوری اسلامی نیز نمیتواند ثابت ای بوجود آورد زیرا توده ها با شغمت های مبارزی نظیر گلبرخی بخوبی آشنا هستند.

احمد رضا کریمی، این مزدور ساواکی، اعدامها به کرد!

اخبار کردستان

بقیه از صفحه ۸

محل امتحان را عوض کردند و بسیاری از معلمان سرگردان از این محل به آن محل میرفتند. در حوزه امتحانی نیز پاسبانان، مردان و دختران زینب، زنان معلم را بازرسی بدنی میکردند. سئوالات طرح شده راجع به گروههای سیاسی کردستان و خودمختاری از یکسو و "بعثت پیغمبر"، "سوره" بقره چند جمله است؟ و... بود. بیشتر معلمان نتوانستند به سئوالات جواب دهند چون آمادگی چنین امتحانی را نداشتند.

● کارگران شهرداری سنندج سه ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. روز ۷ شهریور در جلو استانداری تجمع کرده و خواهان حقوق عقب مانده خود شدند. فرماندار شهربه میان آنها آمده و سخنرانی کرده است و به آنها گفته: شما برای خدا و برای قرآن کار کرده اید، حالا کمی صبر کنید!!

● بسیاری از معلمان دستگیر شده در شهر را به تهران، اصفهان و شیراز تبعید کرده اند و بسیاری از به زندانهای طویل المدت محکوم شده اند.

● روز ۷ شهریور رفیق دختری بمب به پای خود بسته و بدون مقرسیاه پاسبانان را میروودولی به علت نقایص فنی بمب زودتر و بنا کامل عمل کرده و پستی رفیق قطع میشود. این چندمین بار است که دختران مبارز سنندجی دست به چنین کاری میزنند.

● ۵ شهریور پیشمرگان کو-

مهله به شهر حمله کرده و مقرسیاهها را هدف گرفتند در این درگیری ۱۲ جاش و پاسبان رکشته شدند. نبرد یک تا دو ساعت ادامه یافت. پاسبانها در شب جرات بیرون آمدن از مقرسیاه را ندارند.

مهاباد

● ۳ شهریور هلیکوپترها در آسمان شهر ظاهر شدند و اعلامیه پخش میکنند. در اعلامیه نوشته شده بود که اگر ۴ گروهگانی که در دست گروههای مسلح اسیر است آزاد نشود، ارتش به داخل شهر می آید. گروهگانی که در دست پیشمرگان حزب دموکرات بوده که آنها را آزادمی کنند.

● فرمانده پادگان مهاباد از پادگان فرار کرده و به حزب دموکرات ملحق شده است. اکنون فرماندهی پادگان با سپاه پاسبانان است.

● شهر مهاباد ۴ روز پیش پای هدف خمپاره های ارتش و پاسبانان رزم جمهوری اسلامی قرار گرفته است. روز ۸ شهریور شلیک خمپاره و کالیبر ۱۵۰ زساعت ۱۲/۵ ظهر شروع و تا ساعت ۳ ادامه یافت. در جریان این حملات ۵ نفر از جمله یک پسر و دو نفر زنده به شهادت رسیدند. بعد از پایان حملات، رادیو مهاباد پشت سر هم پیام فرمانده ارامبندی بردرخواست از نیروهای سیاسی برای پایان دادن به درگیری میخواند! رادیو مهاباد پیشمرگان را میخواست و نمود کند که جنگ کارنیروهای سیاسی بوده

است! بعد از اعلام آتش بس از سوی ارتش هلیکوپترها درجا-لیکه لوله اسلحه شان را بپرواز آورده بودند بر فراز شهر. در ارتفاع خیلی کم پرواز کرده و ما نور میدادند.

بانه

● ۵۹/۵/۲۵ - در این روز سه تن از مردم بیدفاع بانه بجوخه آتش سیرده شده و اعدام گردیدند. این سه تن عبارتند از:

۱- استاد احمد فتحی ۵۵ ساله، معمار پیری که در رابطه با پسرانش دستگیر شده و در زندان قهرمانان در مقابل دژ خیمان مقاومت کرد، مرگ سرخ را پذیرفت ولی در برابر دشمن سر خم نکرد و با نشان رجا پا کش به تاربخ پیوست. یادش برای همیشه در دلهای مبارزین و جوانان انقلابی و خلق رزمنده گرد زنده خواهد ماند.

۲ - ملا ابراهیم حکمت پیرمرد ۸۰ ساله که در زندان حاضر به قبول همکاری با پاسبانان نشد.

۳ - محمد صادق صحرانورد کارمند بیمه رستان بجرم شرکت در جنبش مقاومت خلق کرد.

این اعدامها موجی از خشم و نفرت در سراسر کردستان برانگیخته است. سازمان ما برای متوقف ساختن ساطور قصابی این جلادان بنا بر وظیفه انقلابی دست بعمل متقابل خواهد زد.

در این رابطه به مقامات جمهوری اسلامی هشدار میدهم که در صورت ادامه این اعدامها بدون شک عده ای از مسئولین رژیم که در زندان کومه له هستند اعدام انقلابی خواهند شد.

کامیاران

● ۵۹/۵/۲۶ - ساعت ۷/۵ بعد

از ظهر این روز یک کامیون ارتشی با سادرو جاش شامل یک ریو، یک مینیل سیمرغ و یک تیوتا در مسیر کامیاران - روانسرو تزدیکی روستای الکه به کمین پیشمرگان کومه له (پهل شهید حمید) و پیشمرگان دموکرات افتاده و محاصره شد. درگیری تا ساعت ۱۰/۵ شب با شدت تمام ادامه داشت و سرانجام نیروهای دشمن بکلی تارومار شدند. ۳۰ نفر از آنها کشته و عده زیادی زخمی گردیدند و مقدار زیادی اسلحه و مهمات سبک و سنگین و بیسیم بدست پیشمرگان افتاد.

در ساعت ۱۰/۵ چهار فروند تانک و تعداد زیادی خودرو و یک کامیون محاصره شدگان آمدند. ستون کمکی نیز مورد حمله پیشمرگان قرار گرفت و یک فروند تانک منهدم گردید و ستون با دادن تلفات زیاد مجبور به عقب نشینی شد. در این جریان هیچگونه آسیبی به پیشمرگان وارد نشد.

مدتها در روستای "آلکه کون" یک نفر بنا م بانو "ثاینه مارآبی" مورد امانت گلوله کالیبر ۵ پاسبانان قرار گرفت و به شهادت رسید.

نامهای که از سوی "کلا سیزها" از کردستان برای خانوادها ایشان فرستاده میشود تمام باز شده و سانسور میشود. زمانی که یکی از پرسنل "کلا سیزها" دیدن خانوادها یکی دیگر از دوستانش رفته و برای آنان از اوضاع کردستان گفته بود، توسط ضد اطلاعات دستگیر و روز زندانی شد. بعد از این جریان بقیه پرسنل "کلا سیز" راجع به کردستان چیزی نمیگویند!*

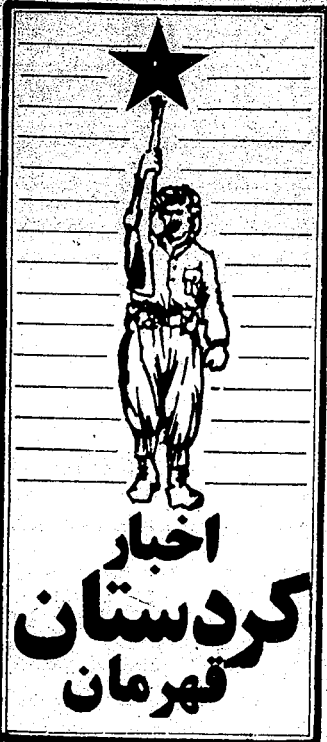
به نقل از

خبرنامه کومه شماره ۶۹

بیت روزندگان

فواد را با زگو کرد، سبب نما...
بنده زحمتکش آن آجیکند سخن
گفت: "کاک فواد چون حقانیت
آرمان زحمتکش و سرانجام
پیروز مندان ترا میدانست
راه آنان پیش گرفت و در این
راه به شهادت رسید"

پیشمرگان سازمان
رزمندگان آزادی طبقه کارگر
نیز پیام خود گفتند: "جنبش
مقاومت و خواسته های خلق کرد
موردتایید ماست و ما در این
جنبش فعالانه شرکت میکنیم"
مراسم با پیام پیشمرگان و
حدت انقلابی برای آزادی طبقه
کارگر و سازمان انقلابی
زحمتکش کردستان ایران و
در میان سرودهای انقلابی
دسته گردان نش آسوزان
آجیکند که در تمام طول مراسم
آن را همراهی میکردند، به
پایان رسید!



اخبار
کردستان
قهرمان

بزرگداشت سالگرد شهادت
رفیق فواد در روستای آجیکند

دانشجویان دختر مشهد
از خوابگاه به زندان اوین!

۲۶ دانشجوی دختر از خوابگاه دانشجویی مشهد
اخراج و به زندان اوین منتقل شدند

نخجویی خودداری کرده و مقصد
شورای خود را قبول دارند
رژیم که این روزها عمل
فاشیستی و غیر انسانی پلیس
جنایتکار را میزبان لیس آمریکا
را در مورد دانشجویان ایرانی
مورد نکوهش قرار میدهد در این
جای خوبی نشان داده است که
آن همه های یهوی و تبلیغات، نه
برای حفاظت از دانشجویان
ایرانی، نه
برای حفظ حقوق و شرف انسانی،
بلکه برای استفاده تبلیغاتی
و سرگرم کردن توده های بی
بوده است که از شدت مشکلات
به تنگ آمده اند، و دیگر کمتر
اعتمادی به حکومت جمهوری
اسلامی ندارند.

رژیم ماهاست که دشمنی
آشکار خود را با مراکز آموزشی و
علمی، و هژکجا را که بشود بنویس
این سنگرزادی، از آن برای
آگاه کردن توده ها استفاده کرد،
نشان داده است. بستن دانشگاه
ها و ویرانه انداختن مکتب
ناصطلاح انقلاب فر
هنگی بر رهبری حزب جمهوری
اسلامی و کسانی چون "آیت"
این یا رگرمایه و گلستان بقایی،
از نمونه های این دشمنی بوده
است.

اخیراً نیز حمله به خوابگاهها،
تحت فشار گذاشتن دانشجویان
و اذیت و آزار آنها در دستور کار
های رژیم قرار گرفته است. از
جمله در هفته گذشته با حکم داد
ستانی انقلاب، ۲۶ دختر دانشجو
از خوابگاه خود واقع در مشهد
ساعت ۱۲ شب اخراج و به زندان
شگاه شهرستانی و آزارتجا به زندان
اوین انتقال یافتند.
این دانشجویان مدت چند
هفته بود که با فشارها و مشکلات
زیادی روبرو بودند. از جمله
اینکه مقامات برای اخراج آنها
به هیچ اراذل و اوباش پرداخت
خته و حتی آب و برق خوابگاه را
قطع کردند و چون این آزارها
و اذیت ها شمری نبخشید، با
حکم دادستانی به اخراج آنها
پرداختند.

رژیمی که عمل ننگین
پلیس آمریکا را مورد نکوهش
قرار میدهد، خود، در ساعت ۱۲
شب به خوابگاه های حمله میکند
که دانشجویان نش گناهی جز "عدم
ارائه کارت دانشجویی و کارت
مخصوص خوابگاه" به عنا صریح
مسئول و توطئه گرندارند.
رژیم از ترس اینکه مبادا،
خوابگاه های دانشجویی به
مراکز فعالیت سیاسی تبدیل
شود و از ترس اینکه توده ها از
این طریق به آگاهی بیشتری
دست یابند، یکسره به تعطیل
این خوابگاهها و اساکلیه
مراکز آموزش عالی و نهادهای
وابسته به آن دست زده است.
با زنگ هدا شدن خوابگاهها
از حقوق غیر قابل انکار
دانشجویان است و هما نظور که
نمی توان هیچکس را از محل زند
گی اش اخراج کرد و دانشجویان
نیز در محل زندگی خود با بد باقی
بمانند *

حجت الاسلام صالحی حاکم
شرح می دهد که برای تخلیه
خوابگاه "از خواهان مطالب
سیخ ملی خراسان که داد و طلب
این کار بودند استفاده شده است"
زیرا این دانشجویان "در مقابل
نهادهای انقلابی داد و در داد
گاههای انقلابی موضع گرفته
و میگیرند" و از اعلام هویت خود به
کسانی غیر از اعضای شورای دا

سندج

در روز ۲۷ مرداد در آرسوز
که آموزش و پرورش شهر از معلما
امتحان بعمل آورد. در حین
تجمع معلمان چند نفر از جنا
شهای مشهور حاج معمور غمیان
و... به محل آمده و چند نفر
از معلمان را به پاسداران
نشان میدهند که توسط پاسدا
ران دستگیر میشوند. در میان
دستگیر شدگان چند نفر معلما
نیز بوده اند.

شب نهم شهریور زحمتکش
روستای آجیکند و روستاهای
اطراف پس از فراغت از کار
طاق قضا فرسای روزانه خود
پای سپاده یا با هر وسیله ای
که به دستشان میرسد خود را
به مفرکومه در آجیکند میر
سازند تا با شهید قهرمان خلق
کرد رفیق فواد و سازمانهای
سیاسی خود تجدید عهد کنند.
در ابتدای مراسم مسئول
مقر به روستائیان و سازمانهای
شرکت کننده خیر مقدم گفت و
مراسم با یک دقیقه سکوت
بخاطر شهادت کاک فواد آغاز
شد. دسته ای از دانش آموز
ان آجیکند سرود "قدرت خلق"
را خواندند و نماینده آنان
شرح کوتاهی از زندگی کاک

دانشگاه این سنگرزادی
گشوده باید گردد!

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشانشان نظام پوسیده
سرمایه داری وابسته را درهم خواهد کوبید!

● برای استخدام مجدد فر
هنگیان سندج از آنسان
امتحان مجدده عمل آوردند
تا انجام امتحانات نزدیک
به پنج بار در اخبار رادیو
بقیه در صفحه ۱۷